



REVIEW ARTICLE

Unintended Consequences Of Public Policies: A Systematic Conceptual Framework

Jafar Zinatbakhsh¹, Hassan DanaeeFard^{2*} , Lotfallah Forouzandeh Dehkordi³, Seyed Hossein Kazemi⁴, Jalil Delkhah⁵

1. Ph.D. Student of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Email: j.zinatbakhsh@modares.ac.ir

2. Professor of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: hdanaee@modares.ac.ir

3. Associate Professor of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Email: l.forouzandeh@modares.ac.ir

4. Assistant Professor of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Email: h.kazemi@modares.ac.ir

5. Assistant Professor of Management & Planning, Management Studies and Technology Development Center, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

j.delkhah@modares.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106383>

Received: 13 September 2025

Accepted: 22 December 2025

ABSTRACT

In the present era, due to the limitations of human cognitive capacity, complexity, uncertainty, and dynamics of social environments, unintended consequences have overshadowed public policies and challenged governance more than ever. This is while policy scholars have not addressed this concept in a coherent manner, and the research literature in this field is unable to explain the what, why, and how of this concept. Therefore, the present study seeks to create new insights in this field by identifying and understanding the conceptual structures of unintended consequences of public policies in the existing literature, and synthesizing them. To achieve this goal, after a systematic literature review and content analysis of selected studies, a conceptual framework of unintended consequences of public policies was obtained, based on four conceptual structures: conceptualization, factors of creation, evaluation, and factors of avoidance/reduction.

Keywords: Public Policy, Unintended Consequences, Conceptual Framework, Systematic Literature Review, Content Analysis.

Citation: Zinatbakhsh, Jafar; DanaeeFard, Hassan; Forouzandeh Dehkordi, Lotfallah; Kazemi, Seyed Hossein; Delkhah, Jalil (2026). Unintended Consequences Of Public Policies: A Systematic Conceptual Framework. *Iranian Journal of Public Policy*, 12 (1), 260-287.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106383>

Published by University of Tehran



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله مروری

پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی؛ یک چارچوب مفهومی نظام‌مند

جعفر زینت‌بخش^۱، حسن دانایی‌فرد^{۲*}، لطف‌الله فروزنده^۳، سیدحسین کاظمی^۴، جلیل دلخواه^۵

۱. دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
رایانامه: j.zinatbakhsh@modares.ac.ir

۲. استاد مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
* رایانامه نویسنده مسئول: hdanaee@modares.ac.ir

۳. دانشیار مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
رایانامه: l.fouzandeh@modares.ac.ir

۴. استادیار مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
رایانامه: h.kazemi@modares.ac.ir

۵. استادیار برنامه‌ریزی و مدیریت، مرکز مطالعات مدیریت و توسعه فناوری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
رایانامه: j.delkhah@modares.ac.ir

doi <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106383>

تاریخ دریافت: ۲۲ شهریور ۱۴۰۴
تاریخ پذیرش: ۱ دی ۱۴۰۴

چکیده

در عصر حاضر، بواسطه محدودیت‌های ظرفیت شناختی انسان، پیچیدگی، عدم قطعیت و پویایی‌های محیط‌های اجتماعی، پیامدهای ناخواسته بیش از هر زمان دیگر بر خط‌مشی‌های عمومی سایه افکنده و حکمرانی را به چالش کشیده است. این در حالی است که اندیشمندان علوم خط‌مشی به شکل منسجم به این مفهوم نپرداخته‌اند و ادبیات پژوهشی این حوزه از تبیین چابکی، چرایی و چگونگی مواجهه با این مفهوم، عاجز است. از این رو، مطالعه حاضر، با شناسایی و فهم سازه‌های مفهومی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی در ادبیات موجود، و ترکیب آن، در پی ایجاد بینش‌های جدید در این حوزه است. برای تحقق این هدف، پس از مرور ادبیات نظام‌مند و تحلیل محتوای مطالعات منتخب، چارچوب مفهومی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی، مبتنی بر ۴ سازه مفهومی مفهوم‌سازی، عوامل ایجاد، ارزشیابی و عوامل اجتناب/کاهش، بدست آمد.

واژگان کلیدی: خط‌مشی عمومی، پیامدهای ناخواسته، چارچوب مفهومی، مرور نظام‌مند ادبیات، تحلیل محتوا.

استناد: زینت‌بخش، جعفر؛ دانایی‌فرد، حسن؛ فروزنده، لطف‌الله؛ کاظمی، سیدحسین؛ دلخواه، جلیل (۱۴۰۵). پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی؛ یک چارچوب مفهومی نظام‌مند. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۲ (۱)، ۲۸۷-۲۶۰.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2026.106383>



ناشر: دانشگاه تهران

مقدمه

خط‌مشی‌های عمومی به «هر آنچه دولت‌ها انتخاب می‌کنند که انجام بدهند یا ندهند» اشاره دارد (Dye, 2016, p. 1) که بی‌تردید رکن اصلی «فرایند کشورداری» و محمل بی‌بدیل اعمال حکمرانی ملی هستند (Danaeefard, 2022). اهمیت خط‌مشی‌های عمومی آن‌جایی آشکار می‌شود که بدانیم آن‌ها ممکن است رفتار را تنظیم کنند، بوروکراسی‌ها را سازمان دهند، منافع را توزیع کنند، یا همه این موارد را یکباره و همزمان انجام دهند (Dye, 2016). به دیگر سخن، به ندرت مسئله شخصی یا اجتماعی وجود دارد که برخی از گروه‌ها خواستار راه حل دولتی، یعنی یک خط‌مشی عمومی، نباشند و هرچه تعداد بیشتری از مردم برای حل مسائل جامعه به دولت روی می‌آورند، قلمرو خط‌مشی‌های عمومی، که به عنوان یک فرآیند عقلانی تصریح می‌شود (Howlett & Mukherjee, 2018)، گسترش می‌یابد و تقریباً همه بخش‌های زندگی مردم را در بر می‌گیرد (Dye, 2016).

با این حال، در بسیاری از موارد خط‌مشی‌ها پاسخ دیرروز به مسائل امروز هستند، و نه طرح‌های نوآورانه‌ای که بر آینده تاثیر بگذارد، و به حل بهتر مسائل جامعه کمک کند (Hoppe, 2018). قرار بود خط‌مشی‌های عمومی پاسخی منطقی به مسئله‌های عمومی باشند؛ با این حال، در دنیای واقعی اغلب مسائل کاهش نمی‌یابند، بلکه تشدید می‌شوند؛ آن‌ها ناپدید نمی‌شوند، بلکه پیچیده و پایدار می‌شوند (Hoppe, 2010b). در واقع، مدت مدیدی است که اندیشمندان علوم اجتماعی در تلاشند به حکمرانان نشان دهند هر فعالیت و خط‌مشی که در پیش می‌گیرند باید به پیامدهای ناخواسته آن توجه کنند (Merton, 1936). به دیگر سخن، داشتن نیت خیر، اهداف خوب، آرمان‌ها و ایده‌آل‌های عالی برای حکمرانی خوب کافی نیست، بلکه حکمرانی نیازمند در نظر گرفتن پیامدهای پنهان و پیچیده اجرای خط‌مشی‌ها و برنامه‌هاست. در این راستا و به اعتقاد مرتون، وظیفه علم اجتماعی تبیین عواقب پیش‌بینی‌نشده فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. وظیفه اندیشمندان اجتماعی و فرهنگی تبیین پیامدهای ناخواسته برای جامعه و حکمرانان است (Norton, 2015) و این وظیفه با توجه به اهمیت موضوع در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. اما علی‌رغم این میل فزاینده، هنوز گزارش‌های مفهومی و تبیینی یکپارچه از نوع‌شناسی و علت‌شناسی این پیامدها در دست نیست، و بیشتر مطالعات در این ادبیات گسترده، موارد خاص و منفرد را مورد مطالعه قرار می‌دهند (Perri, 2014). در واقع، اگرچه بروز پیامدهای ناخواسته به طور گسترده تصدیق شده و به اهمیت آن نیز مکرراً اشاره شده است، اما همچنان در انتظار درمان نظام‌مند است (Merton, 1936). البته باید گفت که در سال‌های اخیر ادبیات علمی نیز شروع به پرداختن به این شکاف کرده است و با طرح سوالات مهم و تعیین مسیرهای تحقیقاتی جدید، گفتمان پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی را به زمینه‌ای مناسب برای پژوهش‌های خط‌مشی‌ای تبدیل کرده است. اما ذکر این نکته هم ضروریست که مفهوم‌پردازی و فهم پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی بدون توسعه چارچوب‌های مفهومی روشن، ممکن نیست و از طریق این چارچوب‌های مفهومی می‌توان به تعریف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی مفید از این پدیده دست یافت. برای چنین چارچوب‌هایی می‌توان مقایسه ساختاریافته، اندازه‌گیری بهتر و سوالات واضح‌تری را برای تشخیص انواع مختلف معماهایی که برای آن‌ها نظریه‌ها و توضیحات لازم است، امکان‌پذیر کرد (Margetts & Hood, 2012). از این رو، هدف این مطالعه ایجاد بینش‌های جدید در ادبیات علمی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی از طریق یکپارچه‌سازی و غنی‌سازی آن است. برای تحقق این هدف و در فاز نخست، مطالعات اصلی و روندهای فعلی با یک مرور ادبیات نظام‌مند؛ به عنوان یک رویکرد روش‌شناختی، شناسایی شدند. در فاز دوم، با استفاده از روش تحلیل محتوا، چارچوب مفهومی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی، تبیین می‌شود.

شواهد عینی از پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی در حوزه‌های مختلف

شواهد متعددی از بروز قانون پیامدهای ناخواسته که در مورد خط‌مشی‌های دولتی اعمال می‌شود وجود دارد. رکود بزرگ اقتصادی در سال ۲۰۰۸ نتیجه خط‌مشی‌گذاری غلط دولت آمریکا در راستای خط‌مشی صاحب‌خانه کردن شهروندان با اعطای تسهیلات است (Hall, 2014) که دامنه اثرات مخرب آن بسیار فراتر از انتظار بود. در نمونه خط‌مشی‌های مسکن ایالات متحده، دولت فدرال تلاش می‌کرد تا به هدف شرافتمندانه ترویج مالکیت مسکن دست یابد، اما در حین انجام این کار، باعث یک فاجعه اقتصادی شد. ضرر و زیان وارد شده به جامعه بسیار بیشتر از دستاوردها بود؛ چرا که حامیان خط‌مشی مسکن متوجه شده‌اند که افزایش نرخ مالکیت مسکن مستلزم افزایش تسهیلات‌دهی به وام‌گیرندگان پرخطر است که منجر به افزایش نرخ عدم بازپرداخت تسهیلات مسکن می‌شود. اما آن‌ها هرگز نه حجم عظیم عدم بازپرداخت‌ها و نه تأثیری که بر اقتصاد و سیستم مالی ایالات متحده خواهد داشت را تصور نمی‌کردند (Hall, 2014). نمونه دیگر خط‌مشی تک‌فرزندی چین است که در سال ۱۹۷۹ وضع شد. این خط‌مشی زوج‌های متأهل را به داشتن تنها یک فرزند محدود می‌کند، اگرچه استثناهایی نیز وجود دارد، بسته به عوامل مختلفی از جمله قومیت و نژاد زوجین و محل زندگی آن‌ها در چین. زوج‌هایی که این خط‌مشی را نقض کنند مشمول جریمه‌های سنگین می‌شوند. علاوه بر این، برخی گزارش‌ها به تحمل عقیم‌سازی و سقط جنین اجباری توسط زنان و نیز توقیف نوزادان توسط مقامات دولتی و فروش آن‌ها در بازار فرزندخواندگی اشاره می‌کنند. هدف از خط‌مشی تک‌فرزندی، کنترل جمعیت است. از این حیث خط‌مشی موفق بوده است. دولت چین ادعا می‌کند که خط‌مشی تک‌فرزندی منجر به ۴۰۰ میلیون تولد کمتر شده است، اگرچه اکثر برآوردها به طور چشمگیری کمتر هستند. این خط‌مشی پیامدهای ناخواسته بزرگی را نیز به همراه داشته است. از آنجایی که فرهنگ چینی به نوزادان پسر اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، بسیاری از زوج‌ها تمایل زیادی به داشتن فرزند پسر دارند. این رجحان باعث شده است که برخی از والدین نوزادان دختر خود را بکشند تا بتوانند دوباره برای پسردار شدن تلاش کنند. گزارش‌های مربوط به کودک‌کشی گسترده در چین در طول دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. در سال‌های اخیر، در دسترس بودن فناوری‌های نوین که امکان تشخیص جنسیت جنین را فراهم می‌کند، منجر به بروز تعداد زیادی سقط جنین‌های دختر شده است (Nie, 2010). نسبت جنسیتی در میان کودکان به طور جدی نامتعادل شده است. به عنوان نمونه، در طول سال ۲۰۱۰ در استان گوانگدونگ، به ازای هر ۱۰۰ نوزاد دختر، ۱۱۹ نوزاد پسر به دنیا آمدند. یک دهه قبل از آن، این نسبت در آن استان بدتر بود، ۱۳۰ نوزاد پسر به ۱۰۰ نوزاد دختر. خط‌مشی مالیات بر درآمد فدرال آمریکا نمونه دیگری از قانون پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی است. مالیات بر درآمد از ابتدا به دو دلیل در سال ۱۹۱۳ وضع شد: (۱) مالیات بر آمریکایی‌های پردرآمدی که در آن زمان تا حد زیادی می‌توانستند فرار مالیاتی کنند و (۲) برای کاهش وابستگی مالی دولت ایالات متحده به مالیات‌های وضع شده بر الکل، تنباکو، و کالاهای وارداتی، که برای آمریکایی‌های با درآمد متوسط و پایین سنگین بود. بنابراین، ایجاد مالیات بر درآمد برای انتقال بار مالیاتی از طبقات پایین و متوسط و به طبقه غنی بود. پیامد ناخواسته این خط‌مشی، سیل درآمدهای مالیاتی بود که همگان از جمله وضع‌کنندگان مالیات بر درآمد را شگفت زده کرد. این وجوه به سیاستمدارانی که به ندرت می‌توانند در برابر وسوسه خرج کردن هر درصد از درآمد موجود و حتی بیشتر از آن مقاومت کنند، اجازه داد تا به شکل افراطی ولخرجی کنند که این رویه چندین دهه به طول انجامیده است. مالیات بر درآمد فدرال دلیل اصلی برای داشتن دولت فدرال بزرگ و حجیمی است که امروز با آن زندگی می‌کنیم، دولتی که چندین مرتبه بزرگتر از آن چیزی است که بنیانگذاران تا به حال تصور می‌کردند (Hall, 2014). نمونه دیگر از این پیامدها معطوف به قانون مالیات سینگار در ایالات متحده است. این مالیات‌ها توسط دولت فدرال ایالات متحده از تمام ۵۰ ایالت و ناحیه کلمبیا و برخی از شهرها جمع‌آوری می‌شود. آن‌ها در ابتدا صرفاً به عنوان منبع درآمدی برای دولت‌ها وضع شدند و از این نظر بسیار مؤثر بوده‌اند زیرا تنباکو یک ماده اعتیادآور است. از دهه ۱۹۶۰ که ارتباط بین سیگار کشیدن و مشکلات سلامتی مستند و مدون شد، یک توجیه مضاعف براساس زمینه‌های بهداشتی شده است: گرفتن مالیات سینگار عامل بازدارنده از استعمال سیگار است، که منجر به جمعیت سالم‌تر می‌شود. اخیراً، چنانکه که دولت‌ها به طور فزاینده‌ای هزینه‌های بهداشت و درمان را تأمین

می‌کنند، مالیات بر سیگار به این دلیل عقلانی و منطقی شده است که درآمد برای کمک به پرداخت هزینه‌های بهداشت و درمان بالاتری که از سیگاری‌ها ناشی می‌شود، مورد نیاز است. پیامدهای ناخواسته عمده مالیات بر سیگار، فعالیت مجرمانه‌ای است که آن‌ها ایجاد می‌کنند. تفاوت‌های زیاد در نرخ‌های مالیات در مناطق مختلف (حوزه‌های قضایی)، مجرمان را با یک فرصت سودآوری روبرو می‌کند: آن‌ها می‌توانند سیگار را در مناطق با مالیات کم خریداری کنند و سپس به‌طور غیرقانونی آن‌ها را به مناطقی با مالیات بالا که به فروش می‌رسند، منتقل کنند. قاچاق سیگار یک تجارت بزرگ در ایالات متحده است و تا حد زیادی توسط سندیکاهای جرایم سازمان یافته کنترل می‌شود (Hall, 2014). مورد دیگر، قانون حداقل دستمزد ایالات متحده است. قوانین حداقل دستمزد اولین بار در اوایل دهه ۱۹۰۰ در سطح ایالت‌ها وضع شد و به عنوان روشی برای افزایش هزینه‌های استخدام زنان و کودکان چنانکه کارفرمایان مردان بالغ را جایگزین آن‌ها کنند، مورد حمایت قرار گرفت. چندین استدلال مضاعف نیز برای توجیه این قوانین طرح شد، مانند حصول اطمینان از اینکه کارگران به اندازه کافی درآمد دارند تا از عهده یک استاندارد معیشتی مناسب و رضایت‌بخش برآیند، یعنی «دستمزد مکفی زندگی» و تشویق کردن کودکان به حضور در مدرسه به جای کار کردن. قانون حداقل دستمزد فدرال در دهه ۱۹۳۰ وضع شد و از آن زمان تاکنون وجود داشته است. مسئله قانون حداقل دستمزد این است که می‌تواند به طور غیر واقعی نرخ دستمزد کارگران حاشیه‌ای را بالاتر از ارزشی که آن‌ها در یک ساعت کار کردن ایجاد می‌کنند، افزایش دهد. اگر چنین شود، کسب‌وکارها تعداد کمتری از این کارگران کم‌مهارت را به کار خواهند گرفت، برخی از آن‌ها را با ماشین‌آلات جایگزین می‌کنند، یا شیوه‌های تجاری را برای صرفه‌جویی در نیروی کار تغییر می‌دهند. بنابراین در سطح پایه، حداقل دستمزد همراه با یک انتخاب است: (۱) تعداد کمتری از کارگران با دستمزد بالاتر که قانون تعیین کرده است یا (۲) تعداد بیشتری از کارگران با دستمزد کمتر که در بازار تعیین شده است. بیشتر اقتصاددانان به برتری و رجحان گزینه دوم استدلال می‌کنند، با این حال جامعه گزینه اول را انتخاب می‌کند. یکی از دلایل اصلی بقاء این قانون این است که ذی‌نفعان قانون حداقل دستمزد، بزرگسالان هستند در حالی که زیان‌دیده اصلی اغلب نوجوانان (در آستانه ورود به بازار کار) هستند. نکته قابل توجه دیگر این است که شناسایی زیان‌دیدگان (کسانی که به سبب قانون بی‌کار هستند) دشوارتر از برندگان (کسانی که دارای شغل با حداقل دستمزد هستند) است (Hall, 2014). مورد آخر، ممنوعیت مصرف مشروبات الکلی (شرب خمر) است که از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳ وجود داشت. پیامدهای منفی ناخواسته این ممنوعیت به اندازه‌های آشکار و بزرگ بود که در نهایت این خط‌مشی کنار گذاشته شد. هدف این بود که مصرف مشروبات الکلی کاهش یابد، که قوانین ممنوعیت آن را محقق ساخت، هرچند نه به اندازه‌ای که حامیان این قانون در ابتدا پیش‌بینی می‌کردند. مشکل اساسی این بود که خواست قانون به راحتی و بوسیله راه‌های قانونی و غیرقانونی دور زده می‌شد. مشروبات الکلی غیرقانونی عامل اصلی لغو قانون ممنوعیت بود، زیرا گروه‌های تبهکاری به بازیگران اصلی صنعت مشروبات الکلی ایالات متحده تبدیل شدند. آن‌ها به قدری مشروبات الکلی مسموم تولید کردند و فروختند که ده‌ها هزار آمریکایی با مصرف آن جان باختند و بسیاری دیگر بیمار شدند. این ممنوعیت همچنین به افزایش سطوح فساد توسط مقامات دولتی انجامید و موج جنایت بزرگی را ایجاد کرد که ظرفیت دادگاه‌ها و زندان‌های آمریکا و حتی فراتر از آن را اشباع کرد. پس از چندین سال تجربه این مشکلات، آمریکایی‌ها در نهایت به این قانون «بس» گفتند و به ممنوعیت پایان دادند (Hall, 2014). در ایران نیز موارد متعددی از بروز پیامدهای نامطلوب و ناخواسته برای خط‌مشی‌های وضع شده وجود دارد که از جمله آن می‌توان به خط‌مشی خصوصی‌سازی اشاره کرد که با هدف کاهش سهم دولت در اقتصاد و افزایش سهم بخش خصوصی طرح‌ریزی شد اما در نهایت به شکل‌گیری انحصارهای شبه دولتی انجامید و یا ایجاد بانک‌های خصوصی برای تأمین مالی بخش تولید کشور که آن نیز به بحران بانکی تمام عیار منتهی شد و یا توسعه مناطق آزاد اقتصادی که با هدف شتاب‌دهی صادرات کشور، به دروازه واردات بدل گشتند (فاضلی، ۱۳۹۶). نمونه‌های متعددی از بروز این نوع پیامدها وجود دارد و پژوهشگران خط‌مشی در پاسخ به این مسأله اغلب استدلال می‌کنند که درک بهتر پیامدهای پیش‌بینی نشده و ناخواسته می‌تواند به خط‌مشی‌گذاران کمک کند تا اغلب با بهبود پیش‌بینی، از احتمال بروز و یا شدت آن‌ها بکاهند (Perri, 2014; Grabosky, 1996; Streets & Glantz, 2000).

می‌شنوید خطمشی جدیدی در دولت در دست بررسی است، به پیامدهای ناخواسته بالقوه آن بیاورید. خطمشی‌هایی که برای یک سری از اهداف خاص ایجاد می‌شوند، اما تقریباً همیشه مجموعه‌ای از نتایج اضافی را ایجاد می‌کنند که جزئی از طرح و تدبیر اولیه نبوده‌اند. اغلب این پیامدهای ناخواسته به طور جدی نامطلوب هستند.

فاز نخست: مرور ادبیات نظام‌مند

این مرور نظام‌مند به منظور ارائه برآوردی از گستره و دامنه ادبیات پژوهشی موجود و فراهم کردن راهنمای مورد نیاز برای پژوهش‌های بعدی در این حوزه، انجام شده است. از این رو، از روش مرور نظام‌مند دامنه‌ای که توسط آرکسی و اوملی (Arksey & O'Malley, 2005) ایجاد و سپس توسط لیواک و همکاران (Levac et al., 2010)، داوت و همکاران (Daudt et al., 2013) و تریکو و همکاران (Tricco et al., 2016)، پیترز و همکاران (Peters et al., 2015) و اخیراً وستفالن و همکاران (Westphal et al., 2021) بهبود و توسعه یافته است، استفاده شده است. رویه‌های پیشنهادی این پژوهشگران، سطح بالایی از دقت، اطمینان و اعتماد را تضمین می‌کند و نظام‌مندی و شفافیت را به حداکثر می‌رساند (Paré et al., 2016). ذکر این نکته حائز اهمیت است که مرورهای نظام‌مند یک نمای اولیه از اندازه و ماهیت ادبیات موجود در مورد یک موضوع نوظهور، برای شناسایی شکاف‌ها و پیشنهاد یک دستور کار پژوهشی برای کارهای آینده، ارائه می‌کند (Paré et al., 2015). بر اساس آنچه گفته شد مرور نظام‌مند مدنظر این پژوهش براساس ۶ مرحله انجام می‌شود: مرحله اول: تدوین پروتکل مرور، مرحله دوم: جستجو و شناسایی مطالعات مرتبط، مرحله سوم: غربال مطالعات، مرحله چهارم: ترسیم داده‌ها، مرحله پنجم: جمع‌آوری، تلخیص و گزارش دهی نتایج، و مرحله ششم: مشاوره.

مرحله اول؛ ایجاد پروتکل مرور

در مرحله نخست، یک پروتکل مرور تدوین شد که نقشه راهی برای کل فرآیند مرور بوده است. این پروتکل شامل مسئولیت‌های اعضای تیم، شناسایی سؤالات، راهبرد جستجو، معیارها و فرآیند غربالگری، راهبرد استخراج داده‌ها و روش‌ها، تکنیک‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها و برنامه کاری بود (Xiao & Watson, 2019). البته پروتکل یک ابزار سخت و غیرمنعطف نیست، بلکه به عنوان یک چارچوب راهنما عمل می‌کند که در طی زمان و پیشرفت کار به صلاح‌دید اصلاح می‌شود. برای طراحی و اجرا مرور دامنه‌ای، تریکو (۲۰۱۸) با بسط و توسعه پریزما، استفاده از پریزما اس سی آر را برای مرورهای دامنه‌ای توصیه کرده است که در این پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفت. سؤال‌های پژوهش، کل فرآیند مرور ادبیات را هدایت می‌کنند و نقشه راهی برای مراحل بعدی هستند (Xiao & Watson, 2019). برای شناسایی سؤال‌های پژوهش ابتدا تعدادی سؤال مرتبط با اهداف پژوهش تدوین شد. تعیین سوال‌ها بر مبنای اهدافی نظیر شناسایی انواع شواهد موجود در این زمینه، روشن کردن مفاهیم کلیدی در ادبیات، شناسایی و تجزیه و تحلیل شکاف‌های دانش صورت پذیرفت (Munn et al., 2018). از اینرو سؤال‌های زیر برای انجام مرور ادبیات نظام‌مند تعیین شد: ادبیات دانشگاهی از حیث گستره، کانون‌های اصلی مطالعات، یافته‌ها و روندهای اصلی در مطالعات پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی چگونه است؟ ابعاد مفهومی پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی که در متون علمی مورد بحث قرار گرفته‌اند چیست؟ خال‌ها و شکاف‌های پژوهشی در مطالعات پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی چیست؟

مرحله دوم؛ جستجو در ادبیات

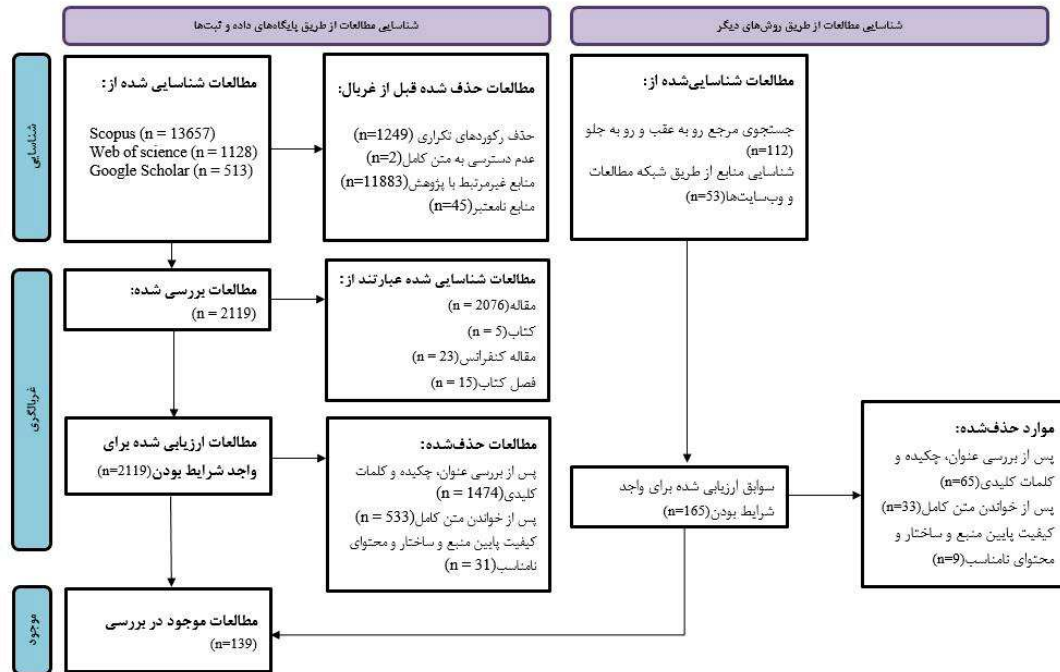
جستجوی صحیح و جامع در مرور مروری حائز اهمیت است چرا که کیفیت آن، به مطالعات جمع‌آوری شده وابسته است (Xiao & Watson, ۲۰۱۹). به طور کلی سه منبع اصلی برای یافتن مطالعات وجود دارد: (۱) پایگاه‌های داده الکترونیکی و موتورهای

جستجو (۲) جستجوی رو به عقب و جلو و (۳) جستجوی از طریق شبکه‌های مجموعه مقالات مشابه (Danaeefard et al., 2025). در پژوهش حاضر برای شناسایی مطالعات مرتبط، از سه پایگاه داده الکترونیکی شامل: Scopus, Web of Science, Google Scholar استفاده شد. از آنجایی که این پایگاه‌های اطلاعاتی شامل مجموعه‌ای غنی و در عین حال مکمل از ناشران و مجلات هستند، جستجو در آن‌ها امکان پوشش جامع را فراهم می‌کند و خطر سوگیری انتخاب را به حداقل می‌رساند. همچنین از تکنیک جستجو رو به عقب و جلو به عنوان دومین روش شناسایی منابع استفاده شد. روش سوم نیز شناسایی شبکه مجموعه مقالات منتشر شده در یک حوزه موضوعی خاص است. برای این منظور سایت <https://www.connectedpapers.com> مورد استفاده قرار گرفته است. برای تعیین مجموعه کلمات کلیدی، هر یک از اعضای تیم به طور مستقل یک جستجو با استفاده از پایگاه داده مشابه انجام دادند. پس از چندین دور جستجو، بحث و مقایسه، کلمات کلیدی نهایی احصاء شد.

جدول ۱. راهبرد جستجو در پایگاه‌های داده و نتایج بدست آمده

Database		Search Strategy	Search Time	Retrieved Results
Electronic Databases	Scopus	(TITLE-ABS-KEY ("unintended consequences" OR "unexpected consequences" OR "unanticipated consequences" OR "side effect") AND TITLE-ABS-KEY (policy OR policies OR legislation))	30 May 2025	13657
	Web of Science	"unintended consequence" OR "unexpected consequence" OR "unanticipated consequence" OR "side effect" (Topic) and policy OR policies OR legislation (Topic)		1128
	Google Scholar	allintitle: (("unintended consequences") OR ("unexpected consequences") OR ("unanticipated consequences") OR ("side effect")) AND (policy OR policies OR legislation)		513
Backward and Forward	Backward and Forward Reference Searching	112		
Connected papers	https://www.connectedpapers.com	۳۵		

راهبرد جستجوی، محدود به عنوان، چکیده و کلیدواژه بود. برای به حداکثر رساندن وسعت پوشش، هیچ محدودیت زمانی در جستجو اعمال نشد. با این حال، فقط مطالعاتی که به زبان انگلیسی نوشته شده بودند در نمونه در نظر گرفته شده است. بر این اساس، دو عضو تیم در پایگاه داده جستجو کردند و هر پایگاه داده به طور مستقل با استفاده از راهبردهای جستجو، جستجو شد. پس از غربالگری، ۱۳۹ مقاله به دست آمد.



شکل ۱. نمودار جریان PRISMA-ScR

مرحله سوم؛ غربال مطالعات

سؤال‌های پژوهش تعیین کننده معیارهای ورود و خروج مطالعات هستند و هر مطالعه‌ای که با معیارهای ورود و خروج مطابقت ندارد، باید کنار گذاشته شود (Danaeefard et al., 2025). انتخاب مطالعات با تعریف معیارهای ورود و خروج آغاز شد. برای اطمینان از صحت فرآیند غربال و انتخاب، پنج مقاله به طور تصادفی برای اهداف آموزشی انتخاب شدند. همه اعضای تیم دور هم نشستند و معیارهای ورود و خروج را به منظور ایجاد درک مشترک اعمال کردند. معیارهای ورود و خروج مطالعه به شرح زیر هستند:

جدول ۲. معیارهای ورود و خروج مطالعات

معیارهای ورود	معیارهای خروج
مطالعات منتشر شده در مجلات علمی با داوری همتا	مقالاتی که هم راستا با اهداف و سوال پژوهش نبودند
فاقد محدودیت زمانی	مقالات تکراری (با توجه به اینکه از پایگاه داده‌های مختلفی منابع بازیابی شدن، تعداد منابع تکراری حذف شدند)
نوع مطالعات: مقالات اصیل و مقاله‌های مروری	
منابع منتشر شده به زبان انگلیسی	
منابع منطبق با اهداف و سؤالات پژوهش	
مقالات بدون دسترسی به تمام متن	

برای بررسی بیشتر، مقالات باید حداقل به یکی از سؤالات پژوهشی یاد شده پاسخ می‌دادند. مقالاتی که صرفاً اشاره‌ای گذرا بر پیامدهای ناخواسته داشتند و همچنین آن‌هایی که بی‌ارتباط با خط‌مشی‌های عمومی و برنامه‌ها بودند، حذف شدند. ارزیابی به طور معمول بر اساس عنوان و چکیده مطالعات انجام می‌شد (Xiao & Watson, 2019)، در صورتی که چکیده اطلاعات کافی را ارائه نمی‌کرد، به بخش‌های دیگر مقاله مراجعه می‌شد. مقالات توسط دو نفر از تیم پژوهش، بازنگری و غربال شدند. دو عضو به

طور مستقل مقالاتی را که مسئول آن بودند غربال می‌کردند و سپس نتایج خود را مقایسه و تأیید می‌کردند. مقالاتی که آن‌ها در مورد آن اختلاف نظر داشتند برای پژوهشگر سومی که تصمیم نهایی را می‌گرفت، ارسال می‌شد. این فرآیند بررسی متقاطع، اعتبار فرآیند غربالگری را ارتقا داد. همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است، در نهایت ۱۳۹ مقاله باقی ماند و انتخاب شد.

مرحله چهارم؛ نمودار کردن داده‌ها

در طی این مرحله، یک فرم استاندارد برای استخراج داده‌ها از ۱۳۹ مطالعه ایجاد شد. نویسندگان ابتدا تعیین کردند که کدام اطلاعات را برای پاسخ به سؤالات پژوهش استخراج کنند. نویسندگان داده‌ها را با استفاده از اصطلاحات و عبارات اصلی به صورت نمودار ترسیم کردند و متعاقباً در مورد واگرای‌ها و اختلاف‌ها بحث کردند.

مرحله پنجم؛ تحلیل داده

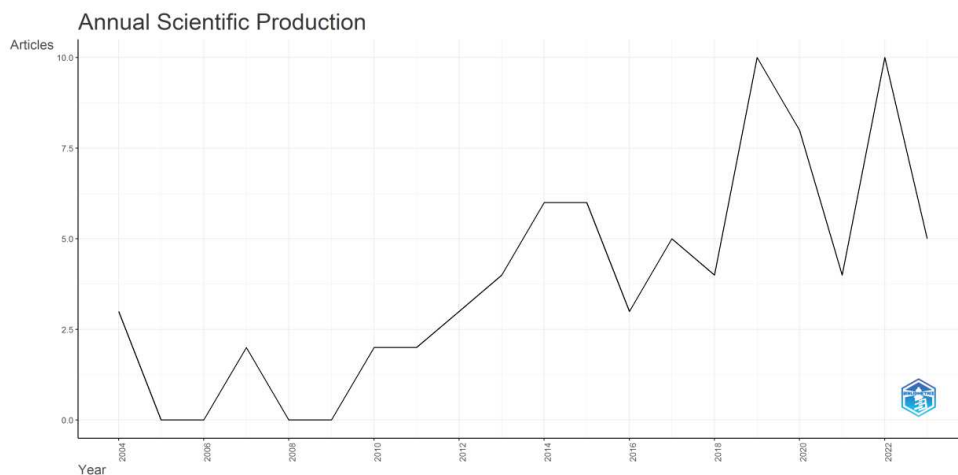
گردآوری، تلخیص و گزارش نتایج مطابق با سؤالات پژوهش انجام شد. برای توصیف ویژگی‌های مطالعه از تحلیل‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی نیز استفاده شد. بعد از انجام مراحل فوق، به بیان شواهد پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی در ادبیات پرداخته شده است.

شواهدی در مورد پیامدهای ناخواسته در ادبیات

در پژوهش حاضر برای ترسیم داده‌ها از تحلیل‌های کتاب‌سنجی و علم‌سنجی استفاده شده است. چنین مطالعاتی اگر به خوبی انجام شوند، می‌توانند بستر قابل‌اعتنایی را برای پیشبرد یک موضوع به شیوه‌های جدید و معنادار ایجاد کنند. مراحل انجام تحلیل کتاب‌سنجی عبارتند از: تعریف اهداف و محدوده مطالعه کتاب‌سنجی؛ انتخاب تکنیک‌های تحلیل؛ جمع‌آوری داده‌ها و انجام تحلیل کتاب‌سنجی و گزارش یافته‌ها (Donthu et al., 2021). توصیه دونتو و همکاران (2021) این است که از یک پایگاه داده مناسب برای کاهش نیاز به یکپارچه‌سازی استفاده شود، زیرا به حداقل رساندن موارد اقدامات غیرضروری می‌تواند به کاهش خطاهای انسانی بالقوه کمک کند. از آنجایی که به طور سنتی، Science of Web و Scopus دو پایگاه داده پرکاربرد برای تحلیل کتاب‌سنجی هستند، برای جستجو از این دو پایگاه استفاده شد. برای تحلیل اطلاعات بدست آمده از بسته‌های نرم‌افزاری Vosviewer و R که از بهترین و قدرتمندترین نرم‌افزارها برای انجام این کار می‌باشند، استفاده شده است.

ویژگی‌ها و دامنه مطالعات

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد نگارش مقالات در این زمینه از حدود اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شده است، و از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۱۷ پرداختن به پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی با روندی نسبتاً ثابت مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. اما از سال ۲۰۱۸ شاهد رشد چشمگیر مقالات در این حوزه هستیم بطوری که در سال ۲۰۲۲ به بالاترین تعداد خود رسیده است (شکل ۲). همچنین اطلاعات کلی در خصوص مطالعات در جدول ۳ آمده است.

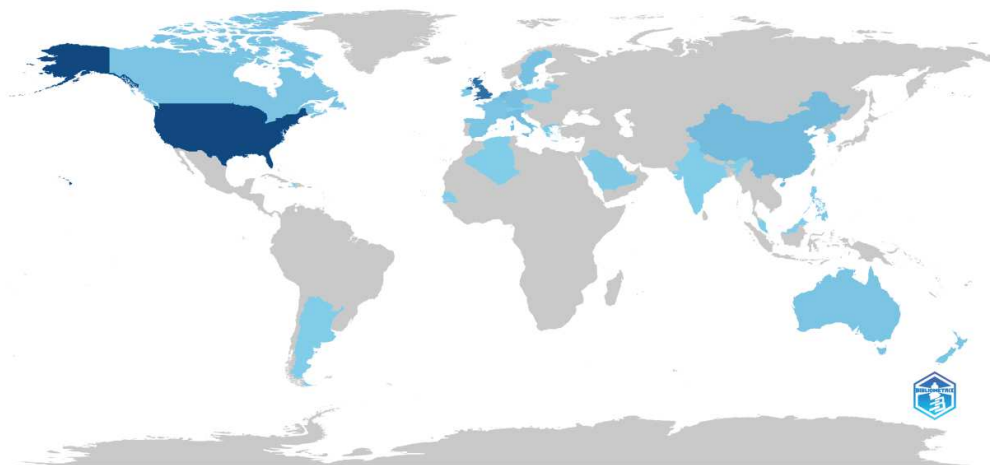


شکل ۲. بررسی سالیانه روند انتشار مطالعات

مراجع مهم، مجلات، انتشارات و پایگاه‌های علمی در مطالعات پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی

مطالعات پیامدهای ناخواسته از ۲۹ کشور مختلف است. ایالات متحده از نظر تعداد مقالات پرتکرارترین بوده است. پس از ایالت متحده، انگلستان از نظر تعداد مقالات در جایگاه دوم قرار دارد. در کشورهای دیگر، تعداد مقالات از یک تا هفت (۱ تا ۱۰ درصد) متغیر بوده است.

Country Scientific Production



شکل ۳. کشورهای مبدأ مطالعات پیامدهای ناخواسته

کانون‌ها و حوزه‌های اصلی مطالعات

طبق بررسی اولیه مطالعات بدست آمده، می‌توان دریافت که ادبیات پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌ها به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند؛ عمده مطالعات به بررسی موردی بروز این پیامدها در یک خط‌مشی و بافت خاص پرداخته‌اند و به جای تحلیل نظری آن و یافتن درمان، به شرح و توصیف این پیامدها و آثار آن بر بخش‌های دیگر بسنده کردند. این در حالی است که تعداد کمتری از پژوهشگران

و اندیشمندان علوم خطمشی به نظریه پردازی، واکاوی علل و تبیین مدل‌هایی برای درمان نظام‌مند این مسئله پرداختند. در واقع، دسته اول که عمدتاً مورد کاوی هستند، به دنبال شناسایی و آشکارسازی پیامدهای ناخواسته یک خطمشی یا برنامه هستند و به مباحثی چون واکاوی علل، سازکارها و به طور کلی نظریه پردازی وارد نمی‌شوند. این مطالعات، غالباً در حوزه‌های بهداشت و درمان، حقوقی، قضایی و کیفری، آب‌وهوا و محیط زیست، خطمشی‌های کلان اقتصادی، نوآوری در حوزه کسب و کار و ظهور فناوری‌های نوین، خطمشی‌های اتحادیه اروپا و یا برنامه هزاره، مدیریت شهری و حمل‌ونقل و مواردی دیگر از قبیل حمایت از حقوق زنان یا کودکان بودند. اما دسته دوم، مطالعاتی هستند که با تبیین ابعاد این پیامدها به مفهوم پردازی و نظریه پردازی پیرامون پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی پرداخته‌اند. این دسته از مطالعات مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند تا چارچوب مفهومی ادبیات پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی تبیین شود.

فاز دوم: چارچوب مفهومی پیامدهای ناخواسته

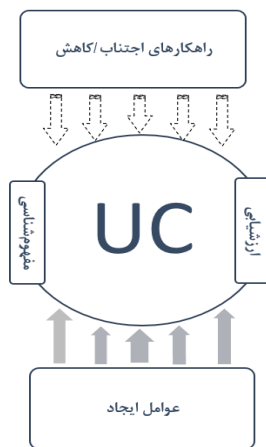
برای تدوین چارچوب مفهومی پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی از ادبیات موجود، از رویکرد روش‌شناختی تحلیل محتوا استفاده شد. تحلیل محتوا روشی است که ممکن است به شیوه استقرایی یا قیاسی استفاده شود. اینکه کدام یک از این موارد استفاده می‌شود با توجه به هدف مطالعه تعیین می‌شود. اگر دانش قبلی کافی درباره پدیده وجود نداشته باشد یا اگر این دانش چندپاره باشد، رویکرد استقرایی توصیه می‌شود (Elo & Kyngäs, 2008, p. 109). از اینرو و با توجه به اینکه یکی از اهداف مطالعه حاضر، تبیین چارچوب مفهومی پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی از طریق ترکیب ادبیات خطمشی‌گذاری عمومی مرتبط با مفهوم پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی است، به همین منظور این مطالعه با اتخاذ رویکرد روش‌شناختی تحلیل محتوا، به بررسی دقیق این ادبیات و شناسایی چارچوب مفهومی پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی پرداخته است. مطابق نتایج حاصل از تحلیل محتوا، ادبیات پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی، به طور کلی به چهار سازه مفهومی اصلی تقسیم می‌شوند: مفهوم نخست، با تبیین ابعاد این پیامدها به مفهوم پردازی و دسته‌بندی پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی می‌پردازد. مفهوم دوم به علت‌شناسی و تبیین عوامل ایجاد پیامدهای ناخواسته در خطمشی‌های عمومی پرداخته‌است. مفهوم سوم نیز به ارزشیابی و سنجش پیامدهای ناخواسته در خطمشی‌ها و برنامه‌ها، و در نهایت مفهوم چهارم به واکاوی و تبیین راهبردها و راهکارها برای اجتناب یا کاهش این پیامدها را در دستور کار پژوهشی خود داشته‌اند. جدول ۳ کدهای باز، انتخابی و محوری را که از متن مطالعات منتخب انجام شده است، به همراه مطالعات اصلی آن نشان می‌دهد.

جدول ۳. کدگذاری متن ادبیات به همراه منابع

مقاله اصلی	مقاله فرعی	کدها	مطالعات اصلی
	تبیین مفهومی	علم اقتصاد، علم سیاست، علم حقوق، علوم اجتماعی، سیر تطور (سیر تاریخی)، دست‌های نامرئی، نیروهای تغییردهنده طبیعت، نیروهای تغییردهنده تاریخ، انحراف بین هدف اصلی و محصول، نتایج نامطلوب	(Locke, 1824) (Merton, 1936) (Vernon, 1979) (Backhaus, 2012) (Perri, 2014) (Norton, 2015) (De Zwart, 2015) (Finsterwalder & Kuppelwieser, 2020) (Moore et al., 2009a) (Chollete & Harrison, 2021) (Moore et al., 2009a) (Mehdizadeh & Fischer, 2013) (Oliver et al., 2019) (Danaeefard, 2022)

(Hirschman, 1991) (Baert, 1991) (Cherkaoui, 2007) (Margetts & Hood, 2012) (Perri, 2014) (De Zwart, 2015) (Leslie, 2019) (Oliver et al., 2019) (Suckling et al., 2021)	تفکیک مفهومی، مطلوبیت و پیش‌بینی‌پذیری، نحوه اثر بر اهداف، شناخت‌پذیری و اجتناب‌پذیری، تأثیرات طرح‌های تنوع، ناخواسته، غیرمنتظره.	نوع‌شناسی	
(Merton, 1936) (S. D. Sieber, 1981) (Rhodes, 2011) (Tan et al., 2017)	جهل، خطا، علاقه نابجا و اولویت برای ارزش‌های ذاتی، از دست دادن حافظه نهادی، پیشگویی خودتخریب‌گر، جابجایی هدف، تعهد بیش از حد، خطاهای شناختی، سوگیری‌های شناختی.	سازکارهای کنشگر محور	عوامل ایجاد
(S. D. Sieber, 1981) (Anderies et al., 2007) (Shum, 2009) (Boulton, 2010) (Cairney, 2012) (Bennett & Lemoine, 2014) (Kwakkel et al., 2016) (Macintosh & Wilkinson, 2016) (Alford & Head, 2017) (Kawai & Li, 2017) (Aronczyk, 2018) (Al-Thaqeb & Algharabali, 2019) (Angeli & Montefusco, 2020) (Suckling et al., 2021) (Blocker et al., 2021) (Head, 2022) (Bu et al., 2025)	اختلال عملکردی، بهره‌برداری، جابجایی هدف، تحریک، طبقه‌بندی، تعهد بیش از حد، جایگذاری، پیشگویی خودتخریب‌گر، پیچیدگی، پویایی، آنتروپی، عدم قطعیت، ابهام، تازگی، واقعیت پیچیده مداخله، نظام‌های اجتماعی در حال تغییر، ماهیت سیاسی، اهداف چندگانه، پایین بودن ظرفیت خطامشی، نزدیک‌بینی خطامشی‌ای.	سازکارهای سیستم‌محور	
(Howlett & Mukherjee, 2014) (Li et al., 2021) (Howlett et al., 2022) (DanaceFard, 2023)	روش‌های ناکارآمد (اثر تهی)، روش‌های زیان‌بخش (اثر متناقض)، منافع رقابتی، منابع محدود، مخالفت‌های سیاسی، فقدان اطلاعات؛ ریسک ذاتی، ریسک فراروی اجرا، ریسک داخلی، ریسک بیرونی، ریسک سخت‌افزاری، ریسک نرم‌افزاری، ریسک انسان‌افزاری، ریسک اکوسیستم خطامشی عمومی.	ریسک خطامشی	
(Scriven, 1972) (Vedung, 2010) (Guyadeen & Seasons, 2018) (Olejniczak et al., 2020)	تعیین مزایا و معایب ابزارها و روش‌ها، ادغام ابزارها و روش‌های مختلف، فرآیند بسته‌بندی خطامشی‌ها، روش‌های به لحاظ ساختاری باز، روش‌های به لحاظ ساختاری بسته.	از حیث زمان	سنجش و ارزشیابی
(Scriven, 1972) (Scriven, 1991b) (Patton, 2005) (Fitzpatrick et al., 2010) (Youker et al., 2014) (Youker, 2013) (Youker & Ingraham, 2014) (Youker et al., 2016) (Oliver et al., 2020)	ارزشیابی فارغ از هدف، شناسایی آثار واقعی و عوارض جانبی، ارزشیابی مبتنی بر اهداف، چشم‌پند، ارزشیابی فارغ از هدف، اجتناب تمدی از دانستن اهداف و مقاصد رسمی، نتایج مورد نظر برنامه، نتایج واقعی برنامه، کاهش سوگیری شناختی.	ارزشیابی از حیث هدف	
(Morell, 2005) (Justen et al., 2014) (Bonell et al., 2015) (Morell, 2018)	شهودی/شواهدمحور، ترکیب روشمند و نظام‌مندانه، داده‌های تجربی، قضاوتی، تفسیری، مشارکتی، ساخت مدل، واقعی‌سازی فرایند رفت و برگشت نظام‌مندانه بین مدل و روش، بررسی مفروضات زیربنای نظریه، مداخلات.	ارزشیابی از حیث داده و روش	
(Castrejon-Campos et al., 2020) (Walker et al., 2013) (Van der Steen & van Twist, 2018) (Nair & Howlett, 2016) (Migone et al., 2024) (Capano & Woo, 2017) (Dewulf & Biesbroek, 2018)	مدیریت عدم قطعیت، پایداری خطامشی، حفظ منابع، تاب‌آوری خطامشی، انطباق و حفظ کارایی در طول زمان، استحکام ایده‌ای، استحکام ساختاری، استحکام فرایندی، بقا‌پذیری ایده مرکزی، راهبردهای تاب‌آوری، راهبردهای استواری.	راهبردهای مدیریت عدم قطعیت	راهکارهای کاهش یا جلوگیری

(Lasswell, 1971) (Sanderson, 2002) (Hoppe, 2010a) (Cairney et al., 2016) (Dye, 2016) (Dunn, 2017) (Coulthart, 2017) (Howlett & Mukherjee, 2018) (Pluchinotta (Hisschemöller et al., 2018) et al., 2020)	خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد، تحلیل علمی خط‌مشی، چرخه خط‌مشی، ساختاردهی مسئله، شواهد علمی، اطلاعات مبتنی بر واقعیات، همسوسازی ذینفعان، قابلیت انطباق، انعطاف‌پذیری خط‌مشی، تطبیق با شرایط جدید و تغییرات محیطی.	راهبردهای طراحی
(Olsen, 1983) (Peters, 1996) (Davis, 2000) (Cummings & Nørgaard, 2004) (Painter & Pierre, 2005) (Peters, 2015) (Wu et al., 2015) (Danaeefard et al., 2016)	منابع فکری و سازمانی، خط‌مشی‌های منسجم و مانا، استفاده نظام‌مند از منابع، یادگیری خط‌مشی.	راهبردهای ظرفیت‌سازی
(Atkinson et al., 2006) (Fischer, 2009) (Walker et al., 2010) (Aven & Renn, 2010) (Brown & Osborne, 2013) (Taleb, 2014) (Nair & Howlett, 2020) (Li et al., 2021) (Danaeefard, 2023)	راهبردهای مقاومت، راهبردهای تاب‌آوری، راهبردهای سازگاری، راهبردهای استواری، راهبردهای انفعال، راهبردهای پیشگیری، راهبردهای احتیاط، راهبردهای مبتنی بر کنترل، راهبردهای تحمل و مدارا، راهبردهای انطباق‌پذیری.	راهبردهای مقابله با ریسک



شکل ۵. چارچوب مفهومی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی

مفهوم‌شناسی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی

تبیین مفهومی

نخستین خاستگاه مفهوم پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی، علم اقتصاد است و در واقع این مفهوم یکی از اجزای اساسی شکل‌دهنده‌ی این علم است. ایده پیامدهای ناخواسته به جان لاک بر می‌گردد که نخستین بار پیامدهای ناخواسته تنظیم نرخ بهره را مورد بحث قرار داد (Locke, 1824). این ایده همچنین توسط آدام اسمیت، مورد بحث قرار گرفته بود. از دیدگاه اسمیت، دست‌نماری نمونه‌ای از پیامدهای ناخواسته عواملی است که در جهت منافع شخصی خود عمل می‌کنند (Backhaus, 2012). پس از اقتصاددانان، نوبت جامعه‌شناسان بود که به این مفهوم بپردازند. فریدریش انگلس، با اشاره به نیروهایی که تغییراتی را در طبیعت

ایجاد می‌کنند و نیروهایی که تغییراتی را در تاریخ ایجاد می‌کنند، به ایده پیامدهای ناخواسته (ظاهری) اشاره کرد. به نوبه خود، برای کارل مارکس آنچه را می‌توان به عنوان پیامدهای ناخواسته درک کرد، در واقع پیامدهایی است که باید انتظار داشت، اما ناخودآگاه به دست می‌آیند. این پیامدها که با اقدامات افراد بی‌شماری مواجه می‌شود، انحراف بین هدف اصلی و محصول از درگیری‌ها، معادل مارکسیستی «پیامدهای ناخواسته» خواهد بود. این تعارضات اجتماعی در نتیجه یک جامعه رقابتی رخ می‌دهد و جامعه را به سمت خرابکاری و جلوگیری از پیشرفت تاریخی سوق می‌دهد. بنابراین، به تعبیر مارکسیستی پیشرفت تاریخی باید این درگیری‌ها را از بین ببرد و پیامدهای ناخواسته را قابل پیش‌بینی کند (Vernon, 1979). مفهوم پیامدهای ناخواسته به این واقعیت اشاره دارد که اقدامات دولت اغلب اثراتی غیرمنتظره یا «غیرعمدی» دارند (Moore et al., 2009a). در واقع، تلاش‌های دولت‌ها می‌تواند پیامدهای خواسته‌شده و ناخواسته داشته باشد، زیرا هدف آن‌ها ایجاد ارزش مشترک با افراد، جوامع یا جامعه است (Finsterwalder & Kuppelwieser, 2020). این پیامدها در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی، به دلیل پیچیدگی و غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتار انسان، ایجاد می‌شوند (Chollete & Harrison, 2021)، و باید گفت که بر زندگی بخش قابل توجهی از جامعه تأثیر می‌گذارد و زمینه بسیاری از انتقادات از خطمشی‌ها و برنامه‌های دولت را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، داشتن نیت‌ها، اهداف و ایده‌های خوب برای حکومت‌داری کافی نیست، بلکه حکومت‌داری مستلزم در نظر گرفتن پیامدهای پنهان و پیچیده اجرای خطمشی‌ها و برنامه‌ها است (Norton, 2015). مرتون در مقاله خود، «پیامدهای غیرمنتظره کنش اجتماعی هدفمند»، تلاش کرد تا تحلیلی نظام‌مند را برای مشکل پیامدهای ناخواسته اعمال عمدی که برای ایجاد تغییرات اجتماعی انجام می‌شود، اعمال کند. به اعتقاد او، وظیفه علم اجتماعی و از جمله جامعه‌شناسی تبیین پیامدهای ناخواسته و پیش‌بینی نشده فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای جامعه و حکمرانان است (Norton, 2015). او ادعا کرد پیش‌بینی نتایج اقدامات هدفمند، کار اصلی خطمشی‌گذاران است، البته آن‌ها اغلب شکست می‌خورند و او قصد داشت دلیل آن را توضیح دهد (Merton, 1936). اگرچه تحقیقات علوم اجتماعی در مورد پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی تمایل به برجسته کردن پیامدهای منفی دارد، رابرت مرتون استدلال کرد که پیامدهای ناخواسته خطمشی‌ها می‌تواند مثبت نیز باشد (Moore et al., 2009b). با این حال، در بیشتر موارد، قانون پیامدهای ناخواسته، پیامدهای ناخواسته نامطلوب خطمشی‌ها، قوانین و مقررات را روشن می‌کند و وظیفه محققان اجتماعی و فرهنگی است که «پیامدهای ناخواسته» را برای جامعه و حاکمان توضیح دهند (Norton, 2015) و این وظیفه در سال‌های اخیر به دلیل اهمیت موضوع مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. بر این اساس، پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی، وضعیتی مسئله‌ساز است که به هدف مورد نظر خود نمی‌رسد یا باعث آسیب‌های اجتماعی بزرگی می‌شود. این پیامدها اغلب می‌توانند تأثیرات شگفت‌انگیزی بر گروه‌های مختلف داشته باشند و زندگی میلیون‌ها نفر را به صورت ناخواسته، غیرمنتظره و گاهی غیرقابل کنترل تحت تأثیر قرار دهند (Danaeefard, 2022; Mehdizadeh & Fischer, 2013). همچنین باید گفت بین پیامدهای ناخواسته و پیامدهای پیش‌بینی نشده خطمشی‌ها عمومی تمایز مفهومی وجود دارد (De Zwart, 2015). در واقع، ادبیات مربوط به پیامدهای ناخواسته پس از مرتون معطوف است به تمرکز بر مفهوم پیامدهای ناخواسته اقدامات سازمان‌یافته، به معنای نتایج نامطلوب خطمشی‌های رسمی. همچنین برخلاف ادعاهای رایج درباره «قانون پیامدهای ناخواسته»، نه پیامدهای ناخواسته و نه غیرمنتظره خطمشی‌های عمومی تصادفی نیستند، بلکه الگوهای اساسی در تنوع و علت‌شناسی را منعکس می‌کنند (Perri, 2014).

نوع شناسی

گونه‌شناسی‌های مختلفی از پیامدهای ناخواسته خطامشی‌های عمومی ارائه شده است. یکی از نخستین این گونه‌شناسی‌ها، تفکیک پیامدهای ناخواسته به شگفتی‌های خوش‌آیند، موارد بیهوده یا پوچ (اثر خنثی)، انحرافاً (تضعیف هدفی که خطامشی‌گذاران قصد دستیابی به آن را دارند) و مخاطره‌آ (تضعیف سایر مواردی که خطامشی‌گذاران به آن‌ها اهمیت می‌دهند)، است (Hirschman, 1991). در گونه‌شناسی دیگر (که مبتنی بر این اصول است: آیا تأثیرات اجتماعی هستند یا خیر؛ آیا مطلوب هستند؛ آیا قصد اولیه را برآورده می‌کنند؛ آیا پیش‌بینی نشده‌اند؛ و آیا دیرتر از اقدام اولیه رخ می‌دهند)، سه دسته کلی معرفی می‌شود: (۱) اثرات پیش‌بینی‌نشده؛ (۲) اثرات پیش‌بینی‌شده اما غیرمنتظره؛ (۳) اثرات مورد انتظار (Baert, 1991). دسته‌بندی دیگر، تبیین پیامدهای ناخواسته خطامشی‌های عمومی به سه نوع است: پیامدهای مورد نظر و پیش‌بینی شده، پیامدهای ناخواسته و قابل پیش‌بینی؛ پیامدهای ناخواسته و غیرقابل پیش‌بینی (De Zwart, 2015). در مجموع، گونه‌شناسی‌های گسترده‌تر و دسته‌بندی‌های دقیق‌تری از پیامدهای ناخواسته ارائه شده است که آن‌ها را بر اساس میزان پیش‌بینی، هدف، استقبال و همچنین میزان تأثیرشان طبقه‌بندی می‌کنند (Margetts & Hood, 2012). گونه‌شناسی‌هایی نیز با خوانشی جامع از برخی نظریات مطرح و مطالعات اندیشمندی چون وبر، ارائه شده‌اند (Cherkaoui, 2007). در سال‌های اخیر نیز نوع‌شناسی‌های جدیدتری در این حوزه ارائه شده است که نه تنها انواع پیامدهای ناخواسته جدید را مشخص می‌کند، بلکه به بررسی علل اصلی و مکانیزم‌های زیربنایی آن‌ها می‌پردازند. برای مثال، برای پیشبرد درک تأثیرات طرح‌های تنوع، یک نظریه گونه‌شناختی از پیامدهای ناخواسته آن‌ها ارائه شده است که شامل چهار نوع پیامد ناخواسته است: نتیجه معکوس (پیشرفت هدف تنوع منفی)، سرریز منفی (اثرات نامطلوب بر نتایج غیر از پیشرفت هدف تنوع)، سرریز مثبت (اثرات مطلوب بر نتایج غیر از پیشرفت هدف تنوع) و پیشرفت کاذب (بهبود معیارهای تنوع بدون تغییر واقعی). در ادامه، یک دیدگاه سیگنالینگ برای شناسایی مکانیسم‌هایی زیربنایی این چهار نوع و شیوه‌های گوناگونی که احتمالاً آن‌ها را تولید می‌کنند، ارائه شده است (Leslie, 2019). تلاش‌های اخیر نشان می‌دهد که نوع‌شناسی، می‌تواند پایه نظری برای اجتناب از پیامدهای ناخواسته خطامشی‌های عمومی باشد. دسته‌بندی پیامدهای ناخواسته زبان‌آور بر اساس میزان اطلاعات موجود در مورد آن‌ها، و کمی کردن دامنه اجتناب از آن‌ها یک اقدام عملی برای مقابله با پیامدهای ناخواسته خطامشی‌های عمومی است. از اینرو این پیامدها را می‌توان با توجه به دو ویژگی دسته‌بندی می‌کند: (۱) میزان شناخت‌پذیری یا شناخت‌ناپذیری آن‌ها (محور عمودی) و (۲) میزان قابل اجتناب یا غیرقابل اجتناب بودن آن‌ها (محور افقی)؛ و چهار دسته به شرح زیر تعریف می‌شوند: شناخت‌پذیر و قابل اجتناب؛ شناخت‌پذیر و غیرقابل اجتناب؛ شناخت‌ناپذیر و قابل اجتناب؛ شناخت‌ناپذیر و غیرقابل اجتناب^۱ (Suckling et al., 2021, p. 2). در مجموع می‌توان ادعا کرد گونه‌شناسی‌های گسترده‌ای از پیامدهای ناخواسته ارائه شده‌اند، که آن‌ها را بر اساس میزان پیش‌بینی، هدف، استقبال و همچنین میزان تأثیرشان، طبقه‌بندی می‌کنند (Margetts & Hood, 2012). با این حال، آنچه با بررسی ادبیات این حوزه مشخص می‌شود این است که کمتر گونه‌شناسی دقیق و کاربردی ایجاد شده است و مطالعاتی که در این حوزه به دنبال تعمیم هستند، بدون نظریه توضیحی، از گونه‌شناسی توصیفی استفاده می‌کنند (Perri, 2014). گونه‌شناسی‌های محدود انجام شده، از قابلیت نظریه‌پردازی این پیامدها عاجزند و نمی‌توانند پایه‌ای باشند برای تبیین علل ایجاد یا ارزشیابی آن. لذا این ادبیات از یک نظریه نوع‌شناسی با این ویژگی‌ها محروم است. در آخر نیز می‌توان گفت که پژوهش‌های کمی در خصوص فهم سازکار اجتناب یا کاهش این پیامدها و ارائه

1 . Welcome Surprise
2 . Futility
3 . Perversity
4 . Jeopardy
5 . Knowable And Avoidable
6 . Knowable And Unavoidable
7 . Unknowable And Avoidable
8 . Unknowable And Unavoidable

چارچوب برای ارزشیابی آن، صورت گرفته است و بیشتر مطالعات در این ادبیات گسترده، موارد خاص و منفرد را مورد مطالعه قرار می‌دهند (Perri, 2014). در واقع حوزه پیامدهای ناخواسته همچنان در انتظار بررسی نظام‌مند است (Merton, 1936; Oliver et al., 2019) و این در حالی است که در ادبیات این مورد از توصیه‌های خاص و موردی فراتر نرفته و نیامند پژوهش‌های بیشتر است و فقدان بخشی تحت عنوان دسته‌ساز کارهای کاهش یا اجتناب از این پیامدها به چشم می‌آید.

عوامل ایجاد پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی

عوامل (ساز کارهای) کنشگر محور

درک محرک‌های خط‌مشی‌ها می‌تواند به ناظران کمک کند تا ساز کارهایی را که احتمالاً منجر به پیامدهای ناخواسته در خط‌مشی‌ها می‌شوند، بفهمند، اگرچه فقط در مواردی که اهداف خط‌مشی مورد توافق بوده و به طور واضح تبیین می‌شوند (Oliver et al., 2019, p. 5). بخش قابل توجهی از این عوامل و مکانیزم‌ها، معطوف به کیفیت مواجهه کنشگران، اعم از خط‌مشی‌گذاران، مجریان و یا مخاطبان با خط‌مشی است. به بیان دیگر، محدودیت‌ها و سوگیری‌هایی که ذهن آدمی در پردازش اطلاعات و در محیط‌های پیچیده دارد و اغلب منجر به بروز خطاهای شناختی در او می‌شود، عاملی است برای بروز پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی. در همین راستا، نخستین بار مرتون (۱۹۳۶) چهل به معنای ناتوانی در پیش‌بینی هر چیزی که منجر به تجزیه و تحلیل ناقص می‌شود، خطا به معنای تحلیل نادرست مسئله، منافع فوری به معنای رجحان اولویت‌های کنونی (کوتاه‌مدت) بر منافع بلندمدت، و اولویت برای ارزش‌های اساسی که به مانع از برخی از اقدامات حتی به بهای نتایج بلندمدت نامطلوب آن اشاره دارد را به عنوان علل بروز این پیامدها متمایز کرد (Tan et al., 2017, p. 5). در واقع اشاره مرتون به ضعف در آگاهی و توسعه‌یافتگی فردی، محدودیت‌های ذهنی انسان در مواجهه با محیط پیچیده و سوگیری‌های ذهنی اوست. البته مرتون پیشگویی‌های خودمحقق‌کننده (محکوم به شکست) را نیز به عنوان عاملی برای بروز پیامدهایی ناخواسته، مطرح می‌کند. رودز (۲۰۱۱، p. 294) برای تکمیل کردن موارد مرتون، از دست دادن حافظه نهادی کنشگران را اضافه می‌کند. می‌توانیم این‌ها را عوامل یا ساز کارهای کنشگر محور بنامیم.

عوامل (ساز کارهای) سیستم محور

بخش دیگری از عوامل و مکانیزم‌های بروز پیامدهای ناخواسته، معطوف به ویژگی‌ها و نارسایی‌های سیستم است. برای نمونه، نظریه پیچیدگی که عموماً به عنوان یک ویژگی از سیستم‌های اجتماعی توصیف می‌شود، جهان را به عنوان سیستم‌های به هم‌پیوسته‌ای می‌بیند که در آن نتایج غیرقابل پیش‌بینی هستند و در آن عناصر متعدد با یکدیگر در تعامل بوده و تأثیرات غیرخطی ایجاد می‌کنند. این ویژگی منجر به بروز نتایجی می‌شود که غالباً غیرقابل پیش‌بینی و حتی تناقض‌آمیز هستند. این تعارضات و اثرات غیرمستقیم، خط‌مشی‌گذاران را وادار به استفاده از رویکردهای کل‌نگر (Cairney, 2012)، پذیرش نگاه سیستمی و بین‌رشته‌ای می‌کند که بتواند پیچیدگی‌های موجود را به شکلی جامع‌تر تحلیل و مدیریت کند (Angeli & Montefusco, 2020).

به عبارت دیگر، از منظر نظریه پیچیدگی، جهان به‌عنوان شبکه‌ای از سیستم‌های متعامل مشاهده می‌شود. این سیستم‌ها شامل بخش‌های دولتی، خصوصی و جامعه مدنی است که در چارچوبی پویا با یکدیگر در ارتباط هستند (Boulton, 2010). یکی از ابعاد مهم این پیچیدگی در خط‌مشی‌گذاری عمومی، پدیده وابستگی به مسیر است. این مفهوم نشان می‌دهد که تصمیم‌های گذشته چگونه می‌توانند به شکل غیرقابل بازگشتی بر گزینه‌های آینده تأثیر بگذارند. این وابستگی گاهی منجر به چسبندگی خط‌مشی‌ها شده و اصلاح آن‌ها را با چالش مواجه می‌کند (Kawai & Li, 2017). همچنین در تضاد اهداف و ارزش‌ها در فرآیند

خط‌مشی‌گذاری، خط‌مشی‌گذاران اغلب با شرایطی روبه‌رو می‌شوند که نیازمند برقراری تعادل میان اهدافی مانند رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست است. این تعارض‌ها می‌توانند به تصمیم‌گیری‌های پیچیده و گاه مبهم منجر شوند (Macintosh & Wilkinson, 2016). از اینرو پیچیدگی می‌تواند منجر به پیامدهای ناخواسته برای خط‌مشی‌های عمومی فراتر از مرزهای سیستم شود و امنیت و پایداری را در سراسر پیوند به خطر بیندازد (Suckling et al., 2021). عدم قطعیت مفهوم دیگری است که به ماهیت ناشناخته یا پیش‌بینی‌ناپذیری رویدادها یا پیامدها اشاره دارد (Kwakkel et al., 2016). در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، عدم قطعیت معمولاً از عدم اطمینان درباره چگونگی یا زمان وقوع تغییرات در محیط خط‌مشی‌گذاری، اثرات ناشی از تصمیمات اتخاذ شده و یا رفتار بازیگران مختلف ناشی می‌شود. منابع مختلفی می‌تواند باعث این وضعیت شود مانند ابهام در داده‌ها، تضادهای سیاسی، و تغییرات اقتصادی یا اجتماعی (Bennett & Lemoine, 2014). ابعاد عدم قطعیت شامل جنبه‌های مختلفی می‌شود. در سطح اطلاعاتی، عدم قطعیت می‌تواند نتیجه فقدان داده‌های قابل‌اعتماد یا ناسازگاری در شواهد موجود باشد. در سطح سازمانی، ممکن است ناشی از تعاملات میان‌بخشی یا نیاز به پاسخگویی همزمان به انتظارات مختلف ذینفعان باشد. در سطح محیطی نیز تغییرات غیرمنتظره در شرایط اقتصادی، اجتماعی یا فناوری، منابع بزرگی برای ایجاد عدم قطعیت هستند (Al-Thaqeb & Algharabali, 2019). در ضمن، انواع مختلف عدم قطعیت از قبیل ابهام در تصمیم‌گیری، خطرات احتمالی، و ناپایداری سیاستی نیز مطرح شده‌اند که هر یک به شیوه‌ای خاص می‌توانند بر فرآیند خط‌مشی‌گذاری تأثیر بگذارند (Anderies et al., 2007). دولف و بیسبروک (۲۰۱۸) در پژوهش خود سه نوع عدم قطعیت در تصمیم‌گیری را شناسایی و معرفی می‌کنند که شامل عدم قطعیت شناختی^۱ (ناشی از کمبود دانش در مورد پدیده‌ها)، عدم قطعیت ماهیتی^۲ (ناشی از تغییرات ذاتی و غیرقابل پیش‌بینی پدیده‌ها) و ابهام^۳ (ناشی از تفسیرهای مختلف از وضعیت‌ها) است. از اینرو می‌توان گفت عدم قطعیت از طریق دشوار و بعضاً غیرممکن ساختن برنامه‌ریزی و پیش‌بینی دقیق نتایج، تأثیرات قابل‌توجهی بر خط‌مشی‌گذاری دارد و می‌تواند عامل مهمی در بروز انحراف در تحقق اهداف خط‌مشی‌ها عمومی و پیامدهای ناخواسته آن باشند. پویایی محیطی و تغییرات مداوم در ماهیت مسائل عمومی، عامل دیگری است که فرآیند خط‌مشی‌گذاری را در عصر کنونی به چالش کشیده است (Shum, 2009). این پویایی‌های محیطی عاملی برای تغییر ماهیت مسئله‌های عمومی هستند، به نحوی که عدم امکان تعریف دقیق و پایدار از مسئله، پیوند متقابل با سایر مسائل و تغییر مداوم در ابعاد و ویژگی‌های آن، مسئله را به سوی «مسائل بدخیم» سوق می‌دهد و فرآیند تدوین خط‌مشی را با مشکلات جدی مواجه می‌سازد (Alford & Head, 2017). تغییرات مداوم در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، مشروعیت خط‌مشی‌ها را متزلزل می‌کند و تحولات فناورانه، مفروضات اولیه خط‌مشی‌ها را بی‌اعتبار می‌سازد (Aronczyk, 2018). همچنین پویایی محیطی موجب عدم تعادل و بی‌ثباتی در توازن قدرت میان ذینفعان مختلف شده است. تغییرات سریع در فناوری‌های ارتباطی، الگوهای نفوذ سنتی را مختل کرده و ظهور و افول مداوم گروه‌های ذینفع، فرآیند اجماع‌سازی را پیچیده‌تر می‌کند. تعارضات میان منافع ذینفعان مختلف نیز به طور مداوم در حال تغییر است که این امر چالش‌های جدی در مسیر تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها ایجاد می‌کند (Bu et al., 2025). در نتیجه، پیامدهای مسائل عمومی به طور فزاینده‌ای غیرقابل کنترل و پیش‌بینی شده‌اند و اثرات غیرمستقیم و زنجیره‌ای که شناسایی و مدیریت آن‌ها دشوار است، پیامدهای ناخواسته که اثربخشی خط‌مشی‌ها را کاهش می‌دهند و تعاملات پیچیده میان پیامدهای مختلف، ارزیابی نتایج را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد (Head, 2022). موارد فوق به همراه مواردی نظیر اختلال عملکردی، بهره‌برداری، جابجایی هدف، تحریک، طبقه‌بندی، تعهد بیش از حد و جایگذاری (S. D. Sieber, 1981)، آنتروپی و تازگی (Blocker et al., 2021)، روش‌های ناکارآمد^۴ (اثر تهی) و زیان‌بخش^۵ (اثر متناقض) (Oliver et al., 2019, p. 6)، از دیگر مواردی هستند که می‌توانیم آن‌ها را عوامل /

1. Epistemic Uncertainty
 2. Ontological Uncertainty
 3. Ambiguity
 4. Ineffective
 5. Counterproductive

مکانیسم‌های سیستم‌محور بنامیم. اگر چه مفاهیم جابجایی هدف و تعهد بیش از حد سیبر (Sieber) و پیشگویی خودشکوفایی مرتون (merton) ترکیبی از مکانیسم‌های کنشگر و سیستم‌محور هستند (Perri, 2014). عوامل سیستم‌محور که ریشه در سایر علوم نیز دارند، عامل مهمی در ایجاد پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی در عصر حاضر هستند و بر خلاف برخی از عوامل/سازکارهای کنشگر محور، با ظهور عصر اطلاعات و فناوری‌های نوین تاثیرشان در ایجاد این پیامدها بیشتر شده است.

ریسک خطمشی

عامل دیگر در ایجاد پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی، ریسک‌های خطمشی‌ای است. و به این دلیل که دارای دسته‌بندی‌های ترکیبی از مکانیزم‌های کنشگر محور و سیستم‌محور است، در این مطالعه به طور مستقل به آن پرداخته شده است. به طور کلی ریسک اشاره به رویداد یا وضعیتی دارد که مانع تحقق اهداف خطمشی عمومی می‌شود (Li et al., 2021). ریسک نوعی عدم قطعیت قابل اندازه‌گیری است و از طریق رویکردهای علمی سنجیده می‌شود، در حالی که عدم قطعیت غیرقابل اندازه‌گیری است و از طریق برآوردهای ذهنی تخمین زده می‌شود (Li et al., 2021). از اینرو در سال‌های اخیر اندیشمندان به این مفهوم پرداخته‌اند و نوع‌شناسی‌های مختلفی از آن را ارائه داده‌اند. در یک نگاه کلی، ریسک‌های خطمشی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ریسک‌های ذاتی به ریسک‌های مراحل خطمشی‌گذاری نظیر ریسک ساختاردهی نامناسب مسئله، ریسک دستورکارگذاری نادرست، ریسک انتخاب نادرست بدیل مرجع، ریسک پایش و ارزشیابی نامناسب خطمشی، اشاره دارد (Howlett & Mukherjee, 2014). در حالی که ریسک مرحله اجرای خطمشی به ریسک‌هایی نظیر ریسک اقتصادی، ریسک انطباق با قانون، ریسک مالی، ریسک سیاسی قانونی، ریسک عملیاتی، ریسک شهرت یا آوازه کشور، ریسک اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد که چالش‌هایی را برای اجرای موفقیت‌آمیز خطمشی‌های عمومی ایجاد می‌کنند (DanaeeFard, 2023). در نوع‌شناسی دیگری از ریسک‌ها خطمشی، ریسک داخلی به ریسک رفتاری خطمشی‌گذاران و خطمشی‌پذیران اشاره دارد. در اولویت قرار دادن منافع خود و حامیان در معماری خطمشی، از مصادیق ریسک رفتاری خطمشی‌گذاران، و قماربازی در فضای خطمشی‌گذاری، سواری مجانی و رانت‌جویی از مصادیق ریسک رفتاری خطمشی‌پذیران است. نوع دیگر ریسک، ریسک‌های بیرونی فراروی خطمشی‌های عمومی نظیر تغییرات جوی، رویدادهای جوی کرانه‌ای، یا فاجعه‌های مالی است که ریشه در عللی نظیر جنگ‌ها، قحطی‌ها، بیماری‌های فراگیر واگیردار و انواع بحران‌ها دارند. هم ریسک‌های داخلی و هم ریسک‌های بیرونی بر خطمشی‌گذاری و طراحی خطمشی اثرگذارند و می‌توانند منجر به بی‌ثباتی و پیش‌بینی‌ناپذیری در دستاوردها و بروز پیامدهای ناخواسته خطمشی‌ها شوند (Howlett et al., 2022). در مجموع می‌توان گفت هر اقدام در سطح ملی برای نیل به اهداف خود به چهار استلزام ضروری نیازمند است که در طراحی و اجرای خطمشی‌های عمومی باید ریسک آن‌ها مدنظر قرار گیرد. این چهار استلزام عبارتند از (DanaeeFard, 2023): (۱) ریسک‌های سخت‌افزاری که به رویدادهای سخت‌افزاری اشاره دارد که تحقق اهداف خطمشی را با دشواری مواجه می‌سازد. هر خطمشی که هدفی را دنبال می‌کند نیاز به سخت‌افزاری دارد تا بتواند با اتکا به آن‌ها، مسیر خود به سمت اهداف تعیین شده را دنبال کند. (۲) ریسک‌های نرم‌افزاری که به رویدادهای نرم‌افزاری اشاره دارد که رسیدن خطمشی‌ها به اهدافشان را با دشواری مواجه می‌سازند. این ریسک‌ها را می‌توان به ریسک‌های حکمرانی، مدیریت و عملیات اجرایی خطمشی‌های عمومی تقسیم‌بندی کرد. (۳) ریسک‌های انسان‌افزاری که به ریسک‌های عامل انسانی در مسیر تحقق اهداف خطمشی عمومی اشاره دارد. هر خطمشی عمومی دو بازیگر اصلی دارد: خطمشی‌گذار و مجری، و خطمشی‌پذیر؛ به دیگر سخن، بازیگران نهاد دولت و حکومت دارد و مخاطبان خطمشی یا شهروندان و مردمی که خطمشی‌ها بر آن‌ها اعمال می‌شود. و در نهایت (۴) ریسک‌های اکوسیستم خطمشی عمومی که به فعل و انفعالات میان خطمشی عمومی و سایر خطمشی‌ها و نهادهای دولتی اشاره دارد که می‌تواند مانع خطمشی در رسیدن به اهدافشان شود. تناقض درونی خطمشی‌ها، تعارض با سایر خطمشی‌ها، رقابت با سایر خطمشی‌ها، واگرایی با سایر خطمشی‌ها، تصمیم‌های مراجع قضایی، مصوبات ناگهان‌ظهور قوه مقننه، تعاملات دولت با بخش

خصوصی و غیرانتفاعی می‌تواند مآخذ ریسک‌های بزرگی بر سر راه اجرای موفقیت‌آمیز خط‌مشی‌های عمومی و بروز پیامدهای ناخواسته باشد (DanaeeFard, 2023).

ارزشیابی پیامدهای ناخواسته

ارزشیابی از حیث زمان

سازه مفهومی دیگری که در بررسی ادبیات پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی بدست آمد، معطوف به ارزشیابی و سنجش آن بود. در واقع، ارزشیابی یک عنصر جدایی‌ناپذیر^۱ از فرآیند خط‌مشی‌گذاری است که می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از مراحل حل مسئله «از چارچوب‌بندی موضوع بحث‌انگیز خط‌مشی (از طریق ایجاد راه‌حل‌ها، انتخاب ابزار، اجرا) تا سنجش نهایی اثرات» مشخص شود (Olejniczak et al., 2020). ارزشیابی از یک سو مسئولیت‌پذیری اقدامات عمومی را تضمین می‌کند و از سوی دیگر، یادگیری و در نتیجه بهبود سودمندی مداخلات عمومی را در طول زمان ممکن می‌سازد (Olejniczak et al., 2020). اهداف ارزشیابی این است که «چه چیزی، برای چه کسی و در چه بافت و بستری کار می‌کند» (Olejniczak et al., 2020). اما در واقع این کافی نیست و آنچه به حساب می‌آید، دستاوردهای واقعی است، چرا که خط‌مشی عمومی باید نتیجه‌گرا شود (Vedung, 2010). نیت خوب، افزایش بودجه و چشم‌اندازهای هیجان‌انگیز کافی نیست؛ این نتایج واقعی است که مهم است. به طور کلی سه نوع ارزشیابی از دیدگاه زمانی وجود دارد که می‌توان برای سنجش پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی بکار برد: ارزشیابی قبل از اقدام (یا پیشینی)، ارزشیابی در دست اقدام (یا حین عمل)، و ارزشیابی پس از اقدام (یا پسینی) (Guyadeen & Seasons, 2018). ارزشیابی پیشینی زمانی اتفاق می‌افتد که یک راه‌حل یا استراتژی که به بهترین شکل به مسائل طرح‌ریزی، اهداف و مقاصد طرح می‌پردازد، از میان پیشنهادات جایگزین انتخاب شود. ارزشیابی پیشینی شامل تعریف اهداف طرح، بررسی راه‌حل‌ها، تخصیص هزینه‌ها و منافع، و پیش‌بینی نتایج است. ارزشیابی حین عمل در طول اجرای طرح رخ می‌دهد و بر شناسایی نتایج اولیه طرح همان‌طور که فرآیند اجرای طرح تکامل می‌یابد تمرکز می‌کند. با ارزشیابی حین عمل، شاخص‌های مناسب باید شناسایی و به طور منظم پایش شوند تا مشخص شود که آیا اصلاحاتی^۳ باید برای اطمینان از اجرای موفقیت‌آمیز انجام شود یا خیر. ارزشیابی پسینی پس از اجرای طرح و بلوغ برای تعیین اینکه آیا طرح به اهداف و مقاصد اعلام شده خود دست یافته است یا خیر، و برای استفاده از دانش ایجاد شده جهت بهبود تلاش‌های برنامه‌ریزی بعدی استفاده می‌شود (Guyadeen & Seasons, 2018).

ارزشیابی از حیث هدف

چالش‌های سیاسی، عملی و اخلاقی قابل توجهی پیرامون ارزشیابی پیامدهای ناخواسته وجود دارد که نیاز به درک بهتر اهداف خط‌مشی‌ها، مکانیسم‌هایی که توسط آن‌ها کار می‌کنند و بهبود ارزشیابی خط‌مشی‌ها را برجسته می‌کند (Oliver et al., 2020). از اینرو فهم و ارزشیابی این پیامدها می‌تواند موضوعی حساس و چالش‌برانگیز باشد و روش‌های بدیعی را فراتر از روش‌های سنتی چون ارزشیابی مبتنی بر اهداف در دانش ارزشیابی طلب کند. از زمانی که رالف تایلر (Ralph Tyler) رویکرد مبتنی بر اهداف خود را در دهه ۱۹۴۰ ایجاد کرد، ارزشیابی مبتنی بر هدف^۴ رویکرد غالب در عمل ارزشیابی بوده است. در نتیجه، اطلاعات زیادی در مورد نظریه‌ها و روش‌شناسی‌های ارزشیابی مبتنی بر هدف منتشر شده است. در این رویکرد، نقش ارزشیاب صرفاً آزمون ادعاهای مبتنی بر واقعیت است که از بیانه‌های مربوط به اهداف برنامه یا خط‌مشی سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل، تنها زبانی که

1 . Integral
2 . What Works, For Whom And In What Context
3 . Adjustments
4 . Goal-Based Evaluation
5 . Evaluation Practice

ارزشیابان باید صحبت می‌کردند، زبان اهداف قابل اندازه‌گیری بود (Youker, 2013; Youker et al., 2016). ویژگی متمایز کننده رویکرد ارزشیابی هدف‌محور این است که اهداف بعضی از فعالیت‌ها مشخص می‌شود و سپس ارزشیابی بر میزان دستیابی به آن اهداف یا مقاصد متمرکز می‌شود. در بسیاری از موارد، برنامه‌ها از قبل اهداف مشخصی دارند. نقش کلیدی ارزشیاب در ارزشیابی هدف‌محور این است که تعیین کند که آیا برخی یا همه اهداف برنامه محقق شده‌اند و اگر چنین است، تا چه حد به آن‌ها دست یافته‌اند (Fitzpatrick et al., 2010). احتمالاً بزرگترین نقطه قوت و جذابیت رویکرد هدف‌محور در سادگی آن است. به راحتی قابل درک است، به راحتی قابل پیگیری و پیاده‌سازی است و اطلاعاتی را تولید می‌کند که مدیران برنامه عموماً موافق هستند که با مأموریت آن‌ها مرتبط است (Fitzpatrick et al., 2010). از سوی دیگر، رویکرد هدف‌محور دارای اشکالات متعددی است، مواردی نظیر نادیده گرفتن نقش خود ارزشیابان با توجه به ارزش خود اهداف؛ غفلت از توصیف برنامه و نیاز به درک زمینه‌ای^۳ که برنامه در آن عمل می‌کند؛ و تمرکز تک‌نگر^۴ بر اهداف و اندازه‌گیری آن‌ها که این امر منجر می‌شود ارزشیابان سایر نتایج مهم برنامه را نادیده بگیرند (Fitzpatrick et al., 2010) و از ارزشیابی دقیق پیامدهای ناخواسته خطمشی باز بمانند. از اینرو نیاز است تا با گذار از رویکردهای سنتی، به رویکردها و روش‌های بدیعی چون «رویکرد ارزشیابی فارغ از هدف»، رسید. رویکرد ارزشیابی فارغ از هدف رویگری است که برای شناسایی آثار واقعی و عوارض جانبی و پیامدهای ناخواسته یک برنامه یا خطمشی کاربرد دارد (Scriven, 1972)، و اصول و عملیات واقعی برای استفاده از این رویکرد نیز تعیین شده است (Youker et al., 2014). همانطور که گفته شد، خطمشی‌ها و مداخلات می‌توانند پیامدهای ناخواسته‌ای داشته باشند، اما این اثرات غیرمنتظره معمولاً توسط ارزشیابان جستجو نمی‌شوند. در ارزشیابی مبتنی بر هدف، اهداف از پیش به ارزیاب برنامه ارائه می‌شود و در نتیجه، برداشت‌های ارزیاب محدود می‌شود. اگرچه اهداف و مقاصد ابزارهای مفیدی برای اداره‌کنندگان و مدیران برنامه هستند؛ با این‌وجود، برای ارزشیاب، تمرکز بر اهداف و مقاصد ممکن است مانع از تشخیص عوارض جانبی مثبت و منفی ناخواسته مرتبط^۵ شود (Youker, 2013). اسکرین (1991) استدلال می‌کند هنگامی که فرد، اهداف و یا مقاصد اعلام شده برنامه را می‌آموزد، تمایل به تجربه دید تونلی نسبت به آن اهداف پیدا می‌کند که در نهایت منجر به نادیده گرفتن سایر نتایج مربوط به برنامه می‌شود؛ بنابراین وی معتقد است که مهم‌ترین کارویژه ارزشیابی فارغ از هدف، کاهش سوگیری ناشی از شناخت اهداف برنامه، و در نتیجه افزایش عینیت در قضاوت برنامه به‌عنوان یک کل است (Fitzpatrick et al., 2010). هرچه ارزشیاب درباره اهداف کمتر بداند، دید تونلی کمتری خواهد داشت و توجه بیشتری به جستجوی اثرات واقعی (به‌جای بررسی اثرات ادعا شده) از جمله توجه به عوارض جانبی و پیامدهای ناخواسته فعالیت‌های برنامه معطوف خواهد شد (Patton, 2005).

ارزشیابی از حیث نوع فرایند و روش‌شناسی

رویکردها و روش‌های دیگری نیز برای ارزشیابی پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی تبیین شده است. یکی از این رویکردها، تعیین مزایا و معایب ابزارها و روش‌ها و ادغام ابزارها و روش‌های مختلف در فرآیند بسته‌بندی خطمشی‌ها است (Justen et al., 2014). از اینرو، روش‌های به لحاظ ساختاری باز (عمدتاً کیفی) و به لحاظ ساختاری بسته (عمدتاً کمی) تبیین شدند و توصیه اصلی این است که استفاده از روش‌های به لحاظ ساختاری باز در ابتدا و انتهای فرآیند خطمشی‌گذاری و روش‌های به لحاظ ساختاری بسته در این بین به کار گرفته شوند و بدین طریق امکان ادغام ابزارها و روش‌های مختلف فراهم شود (Justen et al., 2014).

- 1 . Purposes And Objectives
- 2 . Directors
- 3 . Context
- 4 . Single-Minded
- 5 . Relevant Unintended Positive And Negative Side Effects
- 6 . Tunnel Vision

رویکرد جدیدتر، مبتنی بر فرآیندی است که شامل: (۱) بررسی مفروضات زیربنای نظریه برای تأثیرات (مثبت) مداخله؛ (۲) شناسایی ورودی‌ها به مداخلات، فرآیندها و مکانیسم‌هایی که قرار است از طریق آن‌ها این مؤلفه‌ها منجر به نتایج شوند؛ (۳) تأمل در تعاملات ناخواسته بین عاملیت ذی‌نفعان و ساختارهای اجتماعی که آن‌ها را محدود می‌کند و (۴) بهره‌گیری از نظریه‌های میان‌رده جامعه‌شناختی و روانشناختی، می‌باشد (Bonell et al., 2015). همچنین گام بعدی این است که این فرایند به یک چارچوب ارزشیابی عملیاتی تبدیل شود و نظریه برای اجتناب مؤثرتر از پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی ایجاد شود. تلاش‌های اخیر برای توسعه و بازنگری روش ارزشیابی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌ها عمومی، معطوف به اجتناب از پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی است. پیامدهای ارزشیابی با ایجاد تمایز بین پیامدهای پیش‌بینی نشده و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی و توصیه تاکتیک‌هایی برای اجتناب از آن‌ها ارائه می‌شوند (Morell, 2005). برای مثال، بهبود روش‌ها برای ترکیب روش‌مند و نظام‌مندانه جمع‌آوری داده‌های تجربی و ساخت مدل، در طول چرخه حیات ارزشیابی خط‌مشی‌های عمومی، و همچنین تبیین فرآیندی برای واقعی‌سازی رفت و برگشت نظام‌مندانه بین مدل و روش (Morell, 2018)، یکی از این تلاش‌ها بوده است.

راهکارهای کاهش/اجتناب از پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی

راهبردهای مدیریت عدم قطعیت

در مواجهه با عدم قطعیت عمیق، راهبردها و رویکردهای مختلفی در فرآیندهای خط‌مشی‌گذاری پیشنهاد شده است که در هر مورد ویژگی خط‌مشی متناسب برای غلبه بر آنرا بیان می‌کند: (۱) برنامه‌ریزی برای بدترین سناریو (مقاومت)، (۲) انتخاب ترکیب خط‌مشی که صرف نظر از شرایط آینده به سیستم اجازه می‌دهد به سرعت بهبود یابد (تاب‌آوری)، (۳) جستجوی استراتژی‌هایی که بتواند در تقریباً تمامی آینده‌های محتمل به‌طور معقولی عملکرد خوبی داشته باشد (استحکام ایستا)، و (۴) آماده‌بودن برای تغییر ترکیب سیاستی در صورت تغییر شرایط (استحکام تطبیقی) (Castrejon-Campos et al., 2020). ظهور و گسترش بکارگیری مفهوم استحکام در حوزه‌های مختلف، زمینه‌ساز انتقال این مفهوم به قلمروی خط‌مشی‌گذاری عمومی شده است. در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، مفهوم استحکام به عنوان پاسخی به پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌های محیط خط‌مشی‌گذاری مورد توجه قرار گرفته است (Capano & Woo, 2017; Dewulf & Biesbroek, 2018). استحکام توانایی یک خط‌مشی برای حفظ کارایی، اثربخشی و عملکرد مطلوب در مواجهه با شرایط متنوع و غیرقابل پیش‌بینی است. بر این اساس، یک خط‌مشی مستحکم باید نه تنها به اهداف مرسوم اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دست یابد، بلکه باید قابلیت سازگاری با شرایط آینده را نیز دارا باشد که استحکام در خط‌مشی‌گذاری فراتر از پاسخ‌دهی کوتاه‌مدت به بحران‌ها بوده و به‌عنوان چارچوبی جامع برای مدیریت عدم قطعیت‌های درازمدت عمل می‌کند (Nair & Howlett, 2016). این تعریف بیانگر آن است که استحکام در خط‌مشی‌گذاری فراتر از پاسخ‌دهی کوتاه‌مدت به بحران‌ها بوده و به‌عنوان چارچوبی جامع برای مدیریت عدم قطعیت‌های درازمدت عمل می‌کند (Nair & Howlett, 2016). خط‌مشی‌های مستحکم به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوانند با وجود تغییرات در شرایط اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی، اهداف و اصول بنیادی خود را حفظ کنند و در عین حال انعطاف‌پذیری لازم برای انطباق با شرایط جدید را داشته باشند (Migone et al., 2024).

راهبردهای طراحی

طراحی خط‌مشی شاخه‌ای از علوم خط‌مشی‌گذاری است که به مطالعه طراحی خط‌مشی می‌پردازد. از چنین مطالعه‌ای این انتظار می‌رود که بتواند راه‌های بهتر یا بهبودیافته‌ای را برای ایجاد خط‌مشی‌ها ارائه کند و اطمینان دهد که به جای ظهور پیامدی ناخواسته، حداکثر نتایج مطلوب از مصرف منابع کمیاب به دست می‌آید (Howlett & Mukherjee, 2018). طراحی خط‌مشی‌های عمومی بنا به دلایلی از جمله فقدان یا کمبود منابع؛ وجود بوروکراسی‌های فاسد یا ناکارآمد و دیگر بازیگران خط‌مشی که یا بی‌کفایت هستند یا با انگیزه‌هایی به جز ارزش‌های انجام خیر عمومی برانگیخته می‌شوند؛ حضور بازیگران قدرتمند در میان

بازیگران حکومتی و اجتماعی که می‌توانند حتی بهترین طرح‌های فکر شده را مسدود کنند؛ مسائل تعریف مبهم هدف؛ و اجرای ضعیف، ارزشیابی و سایر شیوه‌های خطامشی، کار دشواری است (Howlett & Mukherjee, 2018). در واقع، طراحی خطامشی یک چالش پیچیده برای خطامشی‌گذاران است، به دلیل آنکه نتایج خطامشی‌های آینده ذاتاً نامشخص است (Pluchinotta et al., 2020, p. 386)، چرا که بسیاری از خطامشی‌های عمومی در پایتخت‌ها ایجاد می‌شوند، اما در حومه شهرها و محله‌ها زندگی می‌کنند یا می‌میرند (Howlett & Mukherjee, 2018). به دیگر سخن، بسیاری از تلاش‌های خیرخواهانه خطامشی‌گذاران به دلیل ظرفیت طراحی ضعیف یا تمایل نداشتن یا ناتوانی در تغییر عناصر خطامشی‌های موجود به شیوه‌ای منطقی‌تر و ابزاری‌تر شکست خورده است و منشأ بروز پیامدهای ناخواسته شده‌اند. از اینرو و با توجه به توضیحات ارائه شده، طراحی خطامشی عمومی می‌باید بر بستری از علوم خطامشی و خزانه‌های دانش آن و همچنین فهم درست فضای سیاسی نظام حکمرانی صورت پذیرد (Cairney et al., 2016) تا بتواند پاسخگوی نیاز دولت‌ها به طراحی و ساخت خطامشی‌های کارآمد در مواجهه با مسئله‌های عمومی و اجتناب از پیامدهای ناخواسته آن باشد. در یکی از مدل‌های مطرح، تحلیل خطامشی بنا دارد موقعیت دانش‌ها را در نسبت یک خطامشی ناظر به پنج سوال بازخوانی و یا بازطراحی کند (Dunn, 2017, pp. 5-6)، که نخستین سؤال آن به واکاوی چستی مسائل خطامشی می‌پردازد. همچنین این مدل پاسخ به این سوالات، پنج نوع خزانه دانشی مربوط به خطامشی را صورت‌بندی می‌کند که اولین و مهمترین آن دانش‌ها، دانش مربوط به ساختاردهی مسئله‌های خطامشی‌ای است (Dunn, 2017, pp. 6-7). در واقع، مسئله‌یابی، از طریق احساس مسئله، شناسایی مسئله و نمایش مسئله از طریق چارچوب‌بندی مسئله، به مراتب کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Hoppe, 2010a, p. 43) و این در حالی است که از زمان معرفی علوم خطامشی توسط لاسول (Lasswell, 1971)، صورت‌بندی مسئله همواره نقطه آغاز ضروری تحلیل خطامشی‌های عمومی بوده است. از آنجایی که آدمی ترجیح می‌دهد تا بسیاری از مسائل بحث‌برانگیز را در تاریکی رها کرده و در مورد آن‌ها فکر نکند، اغلب نه‌تنها مسائل خطامشی‌های عمومی کاهش نمی‌یابند، بلکه تشدید می‌شوند و نه‌تنها ناپدید نشده بلکه پیچیده و پایدار می‌شوند و زمینه برای بروز پیامدهای ناخواسته مساعد می‌شود (Hoppe, 2010b, p. 26). در غیاب روش‌های قابل اعتماد ساختاردهی مسئله، تحلیلگران خطامشی اغلب در حال صورت‌بندی «راه‌حلی دقیق برای مسئله اشتباه» با پیامدهای ناخواسته مهلک برای مسئله خطامشی مورد نظر هستند (Coulthart, 2017; Hisschemöller et al., 2018, p. 305). تلاش‌ها برای دستیابی به جامعه بهتر باید با درک این نکته باشد که یافتن راه‌حل برای این مسائل بسیار دشوار است (Dye, 2016)، اما غیرممکن نیست اگر بر مسیر گام صحیح برداشته و به شیوه درست عمل شود. اندیشمندان حوزه خطامشی‌گذاری عمومی برای گذار فرآیند خطامشی‌گذاری از منابعی چون شعور متعارف، منافع فردی و گروهی و...، به منابعی چون علم و شواهد علمی، قدم‌های شایانی برداشته‌اند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مفهوم خطامشی‌گذاری مبتنی بر شواهد است. رویکرد خطامشی‌گذاری مبتنی بر شواهد، اساساً به موضوع به‌کارگیری شواهد قوی تحقیقاتی در خطامشی‌گذاری‌های روزمره می‌پردازد. بسیاری از دانشمندان از خطامشی‌گذاری مبتنی بر شواهد معتقدند می‌باید یک پیوند مستقیم و رسا بین "شواهد" و تصمیمات و نتایج خطامشی وجود داشته باشد. همچنین لازم به ذکر است که می‌توان شواهد را به عنوان یک استدلال یا ادعای پشتوانه اطلاعات تعریف کرد. بنابراین، شواهد علمی، اطلاعاتی را که به روشی خاص تولید می‌شوند، توصیف می‌کنند. به طور کلی حرکت از تدوین خطامشی به روش سنتی و خطامشی‌گذاری مبتنی بر ایدئولوژی به سوی به‌کارگیری شواهد علمی در خطامشی‌گذاری منشأ بسیاری از تحولات و توسعه کشورها شده است (Sanderson, 2002). نظام‌های خطامشی‌گذاری و تصمیم‌گیری که براساس شواهد علمی و اطلاعات مبتنی بر واقعیات (به‌جای حدسیات و وهمیات) عمل می‌کنند باعث تدقیق تصمیمات، افزایش احتمال نبل به اهداف و کاهش هزینه‌های حکمرانی شده است. همچنین یکی دیگر از مزایای این خردمندان شدن فرآیند خطامشی‌گذاری، کاهش پیامدهای ناخواسته‌ای است که عمدتاً از میان روش سنتی و غیرشواهدمحور خطامشی‌گذاری برمی‌خیزد.

راهبردهای ظرفیت‌سازی

مفهوم دیگری که در این حوزه به آن پرداخته شده است، مفهوم ظرفیت خط‌مشی است. برخی ظرفیت خط‌مشی را تدوین و اجرای خط‌مشی و حساسیت متقابل سیستم سیاسی در مورد خواسته‌های نیروهای اجتماعی تعریف کرده‌اند (Peters, 1996)، اما گروهی دیگر از اندیشمندان با تفکیک مراحل خط‌مشی‌گذاری، مفهوم ظرفیت خط‌مشی را به‌عنوان «توانایی استفاده ممکن از تمامی منابع فکری و سازمانی در تملک دولت که به فرآیند خط‌مشی‌گذاری اختصاص دارند، همانند تخصص یا تجربه داخلی یا خارجی، به‌منظور طراحی خط‌مشی‌های منسجم، مانا و به لحاظ سیاسی امکان‌پذیر» و یا «توانایی استفاده از منابع به صورت نظام‌مند به‌منظور اتخاذ تصمیمات جمعی هوشمند در یک نظام اداری-سیاسی دموکراتیک، بر اساس شناخت کافی، اطلاعات کافی و اقتدار کافی» تعریف کرده‌اند (Cumings & Nørgaard, 2004; Olsen, 1983; Peters, 2015; Wu et al., 2015). در این تعاریف دانش، خیرگی، تجربه و فهم، سنگ بناهای ظرفیت خط‌مشی هستند (Davis, 2000; Painter & Pierre, 2005). از این حیث ظرفیت خط‌مشی از ظرفیت اداره که اشاره به توانایی دولت در داشتن منابع انسانی و فیزیکی مورد نیاز و آرایش دادن آن‌ها برای اجرای خط‌مشی و ارائه خروجی است، متمایز است (Danaeefard et al., 2016). ثمره افزایش ظرفیت خط‌مشی، تولید رهاوردهای مطلوب و اجتناب از پیامدهای ناخواسته است (Peters, 1996)؛ پیامدهایی که بیشترین انطباق را با اهدافی دارند که به درستی و در ابتدای فرآیند خط‌مشی نشانه‌گیری شده‌اند. همچنین می‌توان ثمره نهایی ظرفیت خط‌مشی را طراحی خط‌مشی‌های منسجم، مانا و به لحاظ سیاسی امکان‌پذیر دانست (Cumings & Nørgaard, 2004). خط‌مشی‌هایی که پیامدهای ناخواسته کمتری می‌توان در آن‌ها مشاهده کرد.

راهبردهای مقابله با ریسک

همانطور که گفته شد، ریسک‌های خط‌مشی از موانع تحقق اهداف خط‌مشی عمومی و در نتیجه ایجاد پیامدهای ناخواسته است (Li et al., 2021). از اینرو، راهکارها و راهبردهای مقابله با ریسک طرح شده در ادبیات این حوزه، می‌تواند دلالت‌هایی برای برخورد با ریسک‌های خط‌مشی‌های عمومی و در نتیجه اجتناب یا کاهش پیامدهای ناخواسته آن داشته باشد (DaneeFard, 2023). مدل‌ها و چارچوب‌های متنوعی در ادبیات ریسک ارائه شده است (برای مثال (Atkinson et al., 2006; Aven & Renn, 2010; Brown & Osborne, 2013; Fischer, 2009; Nair & Howlett, 2020; Taleb, 2014; Walker et al., 2010)). این چارچوب‌ها براساس منطق‌های مختلف و دیدگاه‌های گوناگون راهبردهای مواجهه با ریسک را نظریه‌پردازی کرده‌اند. یکی از چارچوب‌های جامع در ادبیات ریسک‌پژوهی، واکنش حکومت‌ها، دولت‌ها و خط‌مشی‌گذاران به ریسک خط‌مشی‌های عمومی را در شش راهبرد در یک طیف تبیین کرده است (Li et al., 2021)؛ نخستین راهبرد، به انفعال خط‌مشی‌گذاران در مواجهه با ریسک خط‌مشی‌ها اشاره دارد. راهبرد دوم خط‌مشی‌های عمومی را به گونه‌ای طراحی می‌کند که پیشاپیش از ظهور و بروز ریسک‌ها پیشگیری شود. این راهبرد متناسب با وضعیت‌هایی است که در آن تغییرات ناشی از خط‌مشی‌ها، بسیار قابل پیش‌بینی است. در راهبردهای مبتنی بر احتیاط، خط‌مشی‌گذاران با ریسک‌های خط‌مشی منتخب خود، برخورد علمی می‌کنند و نوعی تحلیل هزینه-منفعت انجام می‌دهند. راهبردهای مبتنی بر کنترل، بر خلاف راهبرد پیشگیرانه، ضمن استقبال از ریسک، تلاش می‌کند آن‌ها را پیش‌بینی و به بند مقررات درآورد. راهبردهای تحمل و مدارا، با هدف مقاوم کردن خط‌مشی‌ها به این منظور که بتوانند در شرایط مختلف ناشی از ریسک‌های فرا روی عملکرد خود در حد رضایتبخش ادامه دهند آمادگی لازم را تمهید می‌کنند. و در نهایت، در راهبردهای مبتنی بر انطباق‌پذیری، خط‌مشی‌های عمومی در واکنش به ریسک‌های فرا رو، خود را با شرایط انطباق می‌دهند و برنامه‌ها و اقدامات درون طرح کلان خط‌مشی مدنظر، ممکن است در مواجهه با ریسک‌ها دچار تغییر و تحول شوند (Li et al., 2021).

خلاصه و شکاف‌های پژوهشی در مطالعات پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی

همانطور که اشاره شد، مسئله اساسی ادبیات پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی معطوف به پراکندگی مفهومی و نبود یکپارچگی و ارتباط مفاهیم مرتبط با آن است. اگرچه پژوهشگران علوم خطمشی از جنبه‌های مختلف به این مفهوم پرداخته‌اند اما بنظر می‌رسد ارتباط مفهومی و ترکیب آن در جنبه‌های مختلف علوم خطمشی مغفول مانده است. در مفهوم‌پردازی پیامدهای ناخواسته، افرادی نظیر هیرشمن (۱۹۹۱) و سیبر (۱۹۸۱) در حوزه‌های نوع‌شناسی و مکانیزم‌های شکل‌گیری به تبیین پرداختند اما مفهوم‌پردازی پیامدهای ناخواسته بعد از مرتون، مورد غفلت نسبی اندیشمندان قرار گرفت (Margetts & Hood, 2012). از اینرو با وجود فراگیر بودن نسبی این مفهوم، مفهوم‌سازی نظام‌مند پدیده پیامدهای ناخواسته در این آثار وجود ندارد (Carter et al., 2020). هنگامی که فرد ادبیات گسترده‌ای را در مورد پیامدهای ناخواسته مطالعه می‌کند، روشن می‌شود که دیدگاه‌های متعددی وجود دارد که از آن می‌توان به آن نگاه کرد (Chollete & Harrison, 2021)، چرا که قانون پیامدهای ناخواسته از دیدگاه رشته‌های گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است و دارای یک پراکندگی رشته‌ای است. اما در مطالعات اخیر رد پای آن بیشتر در خطمشی‌گذاری عمومی است و نیازمند مفهوم‌پردازی‌های جدید است. از اینرو یک شکاف پژوهشی، مفهوم‌پردازی دقیق‌تر و صریح‌تر قانون پیامدهای ناخواسته در خطمشی‌های عمومی است. فقدان چارچوب مفهومی، نظریه‌ها و بینش‌های تجربی برای تحلیل انواع پیامدهای ناخواسته (Blocker et al., 2021) و صریح نبودن مدل‌ها و نظریه‌های اساسی خطمشی‌ها (Cairney & Heikkila, 2014)، چالش‌هایی مهم محسوب می‌شوند که باعث شده است راهنما و چارچوبی در مطالعات پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی وجود نداشته باشد. علاوه بر این همچنان شکاف‌های دانشی زیادی نیز وجود دارد که باید به آن پرداخت.

یکی از این شکاف‌های دانشی معطوف به مطالعات موردکاوی است. علیرغم گستردگی حوزه خطمشی‌های عمومی و بسترمند بودن آن‌ها و ایجاد گستره وسیعی برای مطالعه موردکاوی پیامدهای ناخواسته (Perri, 2014)، اما بیشتر این مطالعات، دارای ضعف‌های متعدد نظری و روشی و منطقی نظیر ثابت و یکتا فرض کردن اهداف خطمشی‌ها بودند (Margetts & Hood, 2012). همچنین یک مسئله دیگر در مطالعات موردی، در نظر نگرفتن شواهد و همچنین چگونگی جمع‌آوری و بهره‌گیری از شواهد است. برای مثال اغلب مطالعات بدون در نظر گرفتن شواهد فرض می‌کنند که پیامدهای ناخواسته نباید پیش‌بینی شده باشد (Margetts & Hood, 2012). از این رو اغلب تلاش‌های پژوهشگران برای مطالعات موردکاوی پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی، با نواقص مفهومی، نظری و روش‌شناختی مواجهه است (Suckling et al., 2021). با این حال، می‌توان با توسعه چارچوب‌های مفهومی روشن، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی به چارچوبی مفید برای انجام پژوهش‌های موردکاوی دست یافت (Margetts & Hood, 2012). یکی از شکاف‌های دانشی در خصوص تعیین سازکارهای شکل‌گیری، فقدان گزارش‌های مفهومی و تبیینی یکپارچه از تنوع و علت‌شناسی پیامدهای ناخواسته خطمشی‌های عمومی است. برای فهم علل این پیامدها، مطالعات پراکنده‌ای انجام شده است و تاکنون چارچوب جامعی برای تشخیص این علل ارائه نشده است و شاهد پراکندگی این علت‌ها در گستره دانشی رشته‌های مختلف هستیم و علیرغم رشد علاقه فزاینده به مفهوم پیامدهای ناخواسته و بررسی آن در عرصه سیاسی دولت‌ها در سال‌های اخیر (Finsterwalder & Kuppelwieser, 2020) اما هنوز گزارش‌های مفهومی و توضیحی یکپارچه از تنوع و علت‌شناسی آن‌ها در دسترس نیست (Perri, 2014, p. 2). مطالعات ارزشیابی در مورد پیامدهای پیش‌بینی نشده و ناخواسته به طور گسترده‌ای در سراسر رشته‌های علوم اجتماعی و حوزه‌های خطمشی عمومی پراکنده است و ادغام کمی از چارچوب یا انباشت نظریه و دانش را نشان می‌دهد. اگرچه ادبیات ارزیابی پیامدهای ناخواسته، جالب و روشنگر است، اما برای ارزیابی‌کنندگان مفید نیست، زیرا به روش‌شناسی ارزیابی نمی‌پردازد (Morell, 2005) و راهنمایی کمی برای چگونگی بهبود روش‌های ارزیابی ارائه می‌دهد (Morell, 2005). به غیر از مقاله مرتون (1936) و شاید دو یا سه اثر کلی دیگر، بیشتر آن‌ها فقط به کارهایی در زمینه تجربی خود استناد می‌کنند (Margetts & Hood, 2012) و فقدان روش‌شناسی روشن برای سنجش و ارزیابی (پیشینی و

پسینی) پیامدهای ناخواسته و رویکردها و تکنیک‌های ارزیابی برای آن، مشهود است. علاوه بر این، مطالعات ناچیزی در این ادبیات، معطوف به ارزشیابی پیشینی پیامدهای ناخواسته انجام شده است که این می‌تواند به دلیل کمبود رویکردها و روش‌های معین برای ارزشیابی پیشینی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی باشد. از اینرو اندیشمندان باید به تبیین رویکردها، استراتژی‌ها و روش‌های پژوهشی (به عنوان یک شکاف پژوهشی)، برای ارزشیابی این پیامدها اقدام کنند. در پایان نیز باید گفت عمده‌ترین شکاف دانشی در این ادبیات، معطوف به راهبردهای کاهش یا اجتناب از این پیامدهاست. جایی که کمترین میزان مطالعات را به خود اختصاص داده است. بنظر می‌رسد با توجه به گستردگی قلمروهای خط‌مشی و تفاوت‌های عمده در بافت‌های خط‌مشی، دانشمندان علوم خط‌مشی به‌روش‌ها و مکانیزم‌هایی را تبیین کنند تا طراحان خط‌مشی و خط‌مشی‌گذاران را در مراحل طراحی و اجرای خط‌مشی، در برابر پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی تا حدی ایمن سازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ایجاد بینش‌های جدید در مورد پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی انجام شده است. برای این منظور در فاز نخست، دامنه و عمق ادبیات مطرح شده با روش مرور دامنه‌ای به همراه تحلیل کتابسنجی بررسی شده است. در فاز دوم، ضمن تحلیل محتوای متون منتخب، به ترکیب آن پرداخته شده است و در نهایت چارچوب مفهومی نظام‌مند پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی حاصل و در پایان، شکاف‌های پژوهشی در مطالعات پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی بیان شد. پیامدهای ناخواسته، که در برخی موارد پیش‌بینی شده است، می‌تواند به شکل اثرات منفی یا مثبتی باشد که مشروط به وجود یا کمبود منابع مالی و/یا غیر مالی است، اگرچه هیچ رابطه خطی از پیش تعریف شده یا مستقیمی بین آن دو وجود ندارد (Blavoukos & Oikonomou, 2022, p. 13). خط‌مشی‌گذاران می‌دانند که گاهی اوقات خط‌مشی‌ها برای همه کار نمی‌کنند و حتی به برخی آسیب می‌رسانند و خط‌مشی‌های خوش‌نیت ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای داشته باشند که با گذشت زمان، حداقل تا حدی، آن‌ها را بد خواهد کرد (Peters & Nagel, 2025). از نظر سیاسی، این بدان معنی است که حتی بحث در مورد پیامدهای ناخواسته چالش‌برانگیز است، چه رسد به تبیین، تشخیص و ارزیابی آن‌ها (Oliver et al., 2019, p. 3). و در نهایت باید گفت ادبیات پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی به دو بخش مطالعات موردکاوی و مطالعات نظریه‌پردازی تقسیم شده‌اند. در مطالعات نظریه‌پردازی شاهد سازی‌های مفهومی مفهوم‌شناسی، علت‌یابی و تعیین راهبردهای ایجاد آن، ارزیابی پیامدهای ناخواسته و راهبردهای کاهش و اجتناب از آن، چارچوب مفهومی پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی را تشکیل دادند که هر یک نیازمند پژوهش و توسعه بیشتر است. همچنین، پراکندگی مفهومی و نبود یکپارچگی و ارتباط مفاهیم مرتبط با آن، مسئله اصلی این ادبیات است و ضعف در تبیین به‌روش‌ها و سازکارهای اجتناب یا کاهش پیامدهای ناخواسته خط‌مشی‌های عمومی از خلاءهای مهم آن است.

تعارض منافع

متن حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

References

1. Al-Thaqeb, S. A., & Algharabali, B. G. (2019). Economic policy uncertainty: A literature review. *The Journal of Economic Asymmetries*, 20, e00133.
2. Alford, J., & Head, B. W. (2017). Wicked and less wicked problems: a typology and a contingency framework. *Policy and Society*, 36(3), 397-413.
3. Anderies, J. M., Rodriguez, A. A., Janssen, M. A., & Cifdalo, O. (2007). Panaceas, uncertainty, and the robust control framework in sustainability science. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 104(39), 15194-15199.
4. Angeli, F., & Montefusco, A. (2020). Sensemaking and learning during the Covid-19 pandemic: A complex adaptive systems perspective on policy decision-making. *World Development*, 136, 105106.
5. Aronczyk, M. (2018). Public relations, issue management, and the transformation of American environmentalism, 1948-1992. *Enterprise & Society*, 19(4), 836-863.

6. Atkinson, R., Crawford, L., & Ward, S. (2006). Fundamental uncertainties in projects and the scope of project management. *International Journal of Project Management*, 24(8), 687–698.
7. Aven, T., & Renn, O. (2010). Risk management and governance: Concepts, guidelines and applications (Vol. 16). Springer Science & Business Media.
8. Backhaus, J. G. (2012). *Handbook of the history of economic thought*. Springer.
9. Baert, P. (1991). Unintended consequences: A typology and examples. *International Sociology*, 6(2), 201–210.
10. Bennett, N., & Lemoine, G. J. (2014). What a difference a word makes: Understanding threats to performance in a VUCA world. *Business Horizons*, 57(3), 311–317.
11. Blavoukos, S., & Oikonomou, G. (2022). Reforming suo tempore: Exploring the unintended consequences of the European Union's 'reform actorness.' *The British Journal of Politics and International Relations*.
12. Blocker, C. P., Davis, B., & Anderson, L. (2021). Unintended consequences in transformative service research: helping without harming. *Journal of Service Research*, 25(1), 3–8. <https://doi.org/10.1177/10946705211061190>
13. Bonell, C., Jamal, F., Melendez-Torres, G. J., & Cummins, S. (2015). 'Dark logic': theorising the harmful consequences of public health interventions. *J Epidemiol Community Health*, 69(1), 95–98.
14. Boulton, J. (2010). Complexity theory and implications for policy development. *Emergence: Complexity and Organisation*, 12(2), 31–40.
15. Brown, L., & Osborne, S. P. (2013). Risk and innovation: Towards a framework for risk governance in public services. *Public Management Review*, 15(2), 186–208.
16. Bu, Z., Liu, J., & Liu, J. (2025). Impact of emotions on the behavioral strategies of PPP project stakeholders: an RDEU evolutionary game analysis. *Engineering, Construction and Architectural Management*, 32(4), 2242–2271.
17. Cairney, P. (2012). Complexity theory in political science and public policy. *Political Studies Review*, 10(3), 346–358.
18. Cairney, P., & Heikkila, T. (2014). A comparison of theories of the policy process. *Theories of the Policy Process*, 3. <https://doi.org/10.4324/9780429494284-9>
19. Cairney, P., Oliver, K., & Wellstead, A. (2016). To bridge the divide between evidence and policy: reduce ambiguity as much as uncertainty. *Public Administration Review*, 76(3), 399–402. <https://doi.org/https://doi.org/10.1111/puar.12555>
20. Capano, G., & Woo, J. J. (2017). Resilience and robustness in policy design: A critical appraisal. *Policy Sciences*, 50(3), 399–426.
21. Carter, C. R., Kaufmann, L., & Ketchen, D. J. (2020). Expect the unexpected: toward a theory of the unintended consequences of sustainable supply chain management. *International Journal of Operations & Production Management*, 40(12), 1857–1871. <https://doi.org/10.1108/IJOPM-05-2020-0326>
22. Castrejon-Campos, O., Aye, L., & Hui, F. K. P. (2020). Making policy mixes more robust: An integrative and interdisciplinary approach for clean energy transitions. *Energy Research & Social Science*, 64, 101425.
23. Cherkaoui, M. (2007). *Good Intentions*. Oxford, Bardwell-Press.
24. Chollete, L., & Harrison, S. G. (2021). Unintended Consequences: Ambiguity Neglect and Policy Ineffectiveness. *Eastern Economic Journal*, 47(2), 206–226. <https://doi.org/10.1057/s41302-021-00187-7>
25. Coulthart, S. (2017). What's the problem? Frameworks and methods from policy analysis for analyzing complex problems. *Intelligence and National Security*, 32(5), 636–648. <https://doi.org/10.1080/02684527.2017.1310983>
26. Cummings, S. N., & Nørgaard, O. (2004). Conceptualising state capacity: comparing Kazakhstan and Kyrgyzstan. *Political Studies*, 52(4), 685–708.
27. Danaeefard, H. (2022). Why do some national policies make Things Worse? *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 5(2), 1–20.
28. Danaeefard, H. (2023). Risk Research in Public Policy Analysis: A Policy Rule that Should Not be Ignored. *Philosophy*, 22, 11.
29. Danaeefard, H., Emami, & Hosseini, K. (2016). An analytical introduction to understanding the issue of public policy capacity: examining its nature, subject, and function. *Public Policy*, 3(2), 79–99.
30. Danaeefard, H., Peters, G., Khosravi, M., Abdolhoseinzadeh, M., Kazemi, S. H., & Abdolhamid, M. (2025). Mapping and Evolving the Intellectual Structure of Politicization Research: A Scoping Review and Bibliometric Analysis of Current Trends and Future Directions. *Public Organization Review*, 1–22.
31. Davis, G. (2000). Conclusion: Policy capacity and the future of governance. *The Future of Governance*, 230–245.
32. De Zwart, F. (2015). Unintended but not unanticipated consequences. *Theory and Society*, 44, 283–297.
33. Dewulf, A., & Biesbroek, R. (2018). Nine lives of uncertainty in decision-making: strategies for dealing with uncertainty in environmental governance. *Policy and Society*, 37(4), 441–458.
34. Donthu, N., Kumar, S., Mukherjee, D., Pandey, N., & Lim, W. M. (2021). How to conduct a bibliometric analysis: An overview and guidelines. *Journal of Business Research*, 133, 285–296.
35. Dunn, W. N. (2017). *Public policy analysis : an integrated approach (6th editio)*. Routledge.
36. Dye, T. R. (2016). *Understanding public policy (15th editi)*. Pearson.
37. Elo, S., & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing*, 62(1), 107–115. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2007.04569.x>
38. Finsterwalder, J., & Kuppelwieser, V. G. (2020). Intentionality and transformative services: Wellbeing co-creation and spill-over effects. *Journal of Retailing and Consumer Services*, 52.
39. Fischer, F. (2009). *Democracy and expertise: Reorienting policy inquiry*. OUP Oxford.
40. Fitzpatrick, J. L., Sanders, J. R., & Worthen, B. R. (2010). *Program Evaluation: Alternative Approaches and Practical Guidelines (4th editio)*. Pearson.
41. Guyadeen, D., & Seasons, M. (2018). Evaluation Theory and Practice: Comparing Program Evaluation and Evaluation in Planning. *Journal of Planning Education and Research*, 38(1), 98–110. <https://doi.org/10.1177/0739456X16675930>
42. Head, B. W. (2022). Wicked Problems in Public Policy. In *Wicked Problems in Public Policy*. Springer Nature. <https://doi.org/10.1007/978-3-030-94580-0>
43. Hirschman, A. O. (1991). *The rhetoric of reaction*. Harvard University Press.
44. Hisschemöller, M., Hoppe, R., Dunn, W. N., & Ravetz, J. R. (2018). Knowledge, power, and participation in environmental policy analysis: An introduction. In *Knowledge, Power, and Participation in Environmental Policy Analysis (1st Editio)*. Taylor and Francis Inc.
45. Hoppe, R. (2010a). Cultures of public policy problems. In *The governance of problems (pp. 91–120)*. Policy Press.
46. Hoppe, R. (2010b). *The governance of problems : puzzling, powering, participation (First edit)*. Policy Press.
47. Hoppe, R. (2018). Heuristics for practitioners of policy design: Rules-of-thumb for structuring unstructured problems. *Public Policy and Administration*, 33(4), 384–408. <https://doi.org/10.1177/0952076717709338>

48. Howlett, M., Leong, C., & Sahu, S. (2022). Managing internal policy risk: Australia, the UK and the US compared. *Policy Design and Practice*, 5(2), 152–163.
49. Howlett, M., & Mukherjee, I. (2014). Policy design and non-design: Towards a spectrum of policy formulation types. *Politics and Governance*, 2(2), 57–71.
50. Howlett, M., & Mukherjee, I. (2018). *Routledge handbook of policy design* (1st Editio). Routledge.
51. Justen, A., Schippl, J., Lenz, B., & Fleischer, T. (2014). Assessment of policies and detection of unintended effects: Guiding principles for the consideration of methods and tools in policy-packaging. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 60, 19–30. <https://doi.org/10.1016/j.tra.2013.10.015>
52. Kawai, K. L. R., & Li, H. (2017). *The Dynamics of Policy Complexity*. UNSW working paper.
53. Kwakkel, J. H., Walker, W. E., & Haasnoot, M. (2016). Coping with the wickedness of public policy problems: Approaches for decision making under deep uncertainty. In *Journal of Water Resources Planning and Management* (Vol. 142, Issue 3, p. 1816001). American Society of Civil Engineers.
54. Lasswell, H. D. (1971). *A pre-view of policy sciences*. Elsevier publishing company.
55. Leslie, L. M. (2019). Diversity initiative effectiveness: A typological theory of unintended consequences. *Academy of Management Review*, 44(3), 538–563.
56. Li, Y., Tacihagh, A., de Jong, M., & Klinke, A. (2021). Toward a commonly shared public policy perspective for analyzing risk coping strategies. *Risk Analysis*, 41(3), 519–532.
57. Locke, J. (1824). *The works of John Locke: in nine volumes* (Vol. 7). C. and J. Rivington.
58. Macintosh, A., & Wilkinson, D. (2016). Complexity theory and the constraints on environmental policymaking. *Journal of Environmental Law*, 28(1), 65–93.
59. Margetts, H., & Hood, C. (2012). *Paradoxes of modernization: unintended consequences of public policy reform*. Oxford University Press, USA.
60. Mehdizadeh, R., & Fischer, M. (2013). The unintended consequences of greening America: an examination of how implementing green building policy may impact the dynamic between local, state, and federal regulatory systems and the possible exacerbation of class segregation. *Energy, Sustainability and Society*, 3, 1–7.
61. Merton, R. K. (1936). The unanticipated consequences of purposive social action. *American Sociological Review*, 1(6), 894–904.
62. Migone, A., Howlett, M., & Howlett, A. (2024). Paradigmatic stability, ideational robustness, and policy persistence: exploring the impact of policy ideas on policy-making. *Policy and Society*, 43(2), 189–203.
63. Moore, R. S., Annechino, R. M., & Lee, J. P. (2009a). Unintended consequences of smoke-free bar policies for low-SES women in three California counties. *American Journal of Preventive Medicine*, 37(2), S138–S143.
64. Moore, R. S., Annechino, R. M., & Lee, J. P. (2009b). Unintended Consequences of Smoke-Free Bar Policies for Low-SES Women in Three California Counties. *American Journal of Preventive Medicine*, 37(2 SUPPL.), S138–S143. <https://doi.org/10.1016/j.amepre.2009.05.003>
65. Morell, J. A. (2005). Why are there unintended consequences of program action, and what are the implications for doing evaluation? *American Journal of Evaluation*, 26(4), 444–463.
66. Morell, J. A. (2018). Systematic iteration between model and methodology: A proposed approach to evaluating unintended consequences. *Evaluation and Program Planning*, 68, 243–252.
67. Munn, Z., Peters, M. D. J., Stern, C., Tufanaru, C., McArthur, A., & Aromataris, E. (2018). Systematic review or scoping review? Guidance for authors when choosing between a systematic or scoping review approach. *BMC Medical Research Methodology*, 18(1). <https://doi.org/10.1186/s12874-018-0611-x>
68. Nair, S., & Howlett, M. (2016). From robustness to resilience: avoiding policy traps in the long term. *Sustainability Science*, 11, 909–917.
69. Nair, S., & Howlett, M. (2020). Policy myopia as a source of policy failure: Adaptation and policy learning under deep uncertainty. In *Policy Learning and Policy Failure* (pp. 133–154). Policy Press.
70. Norton, R. (2015). *Unintended consequences*. ECompany Now, 12–18.
71. Olejniczak, K., Borkowska-Waszk, S., Domaradzka-Widla, A., & Park, Y. (2020). Policy labs: the next frontier of policy design and evaluation? *Policy & Politics*, 48(1), 89–110. <https://doi.org/10.1332/030557319X15579230420108>
72. Oliver, K., Lorenc, T., & Tinkler, J. (2020). Evaluating unintended consequences: New insights into solving practical, ethical and political challenges of evaluation. *Evaluation*, 26(1), 61–75. <https://doi.org/10.1177/1356389019850847>
73. Oliver, K., Lorenc, T., Tinkler, J., & Bonell, C. (2019). Understanding the unintended consequences of public health policies: The views of policymakers and evaluators. *BMC Public Health*, 19(1), 1–9. <https://doi.org/10.1186/s12889-019-7389-6>
74. Olsen, J. P. (1983). *Organized democracy: political institutions in a welfare state, the case of Norway*. Universitetsforlaget.
75. Painter, M., & Pierre, J. (2005). Unpacking policy capacity: Issues and themes. *Challenges to State Policy Capacity: Global Trends and Comparative Perspectives*, 1–18.
76. Patton, M. Q. (2005). Goal-Based vs. Goal-Free Evaluation. In *Encyclopedia of Social Measurement* (pp. 141–144). Elsevier. <https://doi.org/10.1016/B0-12-369398-5/00403-5>
77. Perri. (2014). Explaining unintended and unexpected consequences of policy decisions: Comparing three British governments, 1959-74. *Public Administration*, 92(3), 673–691. <https://doi.org/10.1111/padm.12081>
78. Peters, B. G. (1996). *The policy capacity of government*. [Hull, Quebec]: Minister of Supply and Services Canada (Canadian Centre for Management Development research paper no, 18).
79. Peters, B. G. (2015). Policy capacity in public administration. *Policy and Society*, 34(3–4), 219–228.
80. Peters, B. G., & Nagel, M. L. (2025). From benign to malign: unintended consequences and the growth of Zombie policies. *Policy and Society*, puae039.
81. Pluchinotta, I., Giordano, R., Zikos, D., Krueger, T., & Tsoukiàs, A. (2020). Integrating Problem Structuring Methods And Concept-Knowledge Theory For An Advanced Policy Design: Lessons From A Case Study In Cyprus. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 22(6), 626–647. <https://doi.org/10.1080/13876988.2020.1753512>
82. Rhodes, R. A. W. (2011). *Everyday life in British government*. Oxford University Press, USA.
83. Sanderson, I. (2002). Making sense of ‘what works’: evidence based policy making as instrumental rationality? *Public Policy and Administration*, 17(3), 61–75.
84. Scriven, M. (1972). *Die Methodologie der Evaluation*.
85. Scriven, M. (1991a). *Evaluation thesaurus* (4th ed). SAGE.

86. Scriven, M. (1991b). Prose and cons about goal-free evaluation. *Evaluation Practice*, 12(1), 55–62.
87. Shum, R. Y. (2009). Can attitudes predict outcomes? Public opinion, democratic institutions and environmental policy. *Environmental Policy and Governance*, 19(5), 281–295.
88. Sieber, S. (1981). *Fatal remedies: The ironies of social intervention*. Plenum Press. New York. <https://doi.org/10.1007/978-1-4684-7456-5>
89. Sieber, S. D. (1981). *Fatal remedies: The ironies of social intervention*. Plenum Press.
90. Suckling, J., Hoolohan, C., Soutar, I., & Druckman, A. (2021). Unintended consequences: Unknowable and unavoidable, or knowable and unforgivable? *Frontiers in Climate*, 124.
91. Taleb, N. N. (2014). *Antifragile: Things that gain from disorder* (Vol. 3). Random House Trade Paperbacks.
92. Tan, K. H., Chung, L., Shi, L., & Chiu, A. (2017). Reprint" Unpacking the indirect effects and consequences of environmental". *International Journal of Production Economics*, 190, 22–30.
93. Van der Steen, M., & van Twist, M. (2018). Strategies for robustness: Five perspectives on how policy design is done. *Policy and Society*, 37(4), 491–513.
94. Vedung, E. (2010). Four Waves of Evaluation Diffusion. *Evaluation*, 16(3), 263–277. <https://doi.org/10.1177/1356389010372452>
95. Vernon, R. (1979). Unintended consequences. *Political Theory*, 7(1), 57–73.
96. Walker, W. E., Haasnoot, M., & Kwakkel, J. H. (2013). Adapt or perish: A review of planning approaches for adaptation under deep uncertainty. *Sustainability*, 5(3), 955–979.
97. Walker, W. E., Marchau, V. A. W. J., & Swanson, D. (2010). Addressing deep uncertainty using adaptive policies: Introduction to section 2. *Technological Forecasting and Social Change*, 77(6), 917–923.
98. Westphaln, K. K., Regoeczi, W., Masotya, M., Vazquez-Westphaln, B., Lounsbury, K., McDavid, L., Lee, H., Johnson, J., & Ronis, S. D. (2021). From Arksey and O'Malley and Beyond: Customizations to enhance a team-based, mixed approach to scoping review methodology. *MethodsX*, 8, 101375.
99. Wu, X., Ramesh, M., & Howlett, M. (2015). Policy capacity: A conceptual framework for understanding policy competences and capabilities. *Policy and Society*, 34(3–4), 165–171.
100. Xiao, Y., & Watson, M. (2019). Guidance on Conducting a Systematic Literature Review. *Journal of Planning Education and Research*, 39(1), 93–112. <https://doi.org/10.1177/0739456X17723971>
101. Youker, B. W. (2013). Goal-Free Evaluation: A Potential Model for the Evaluation of Social Work Programs. *Social Work Research*, 37(4), 432–438. <https://doi.org/10.1093/swr/svt032>
102. Youker, B. W., & Ingraham, A. (2014). Goal-free evaluation: An orientation for foundations' evaluations. *The Foundation Review*, 5(4), 7. <https://doi.org/10.9707/1944-5660.1182>
103. Youker, B. W., Ingraham, A., & Bayer, N. (2014). An assessment of goal-free evaluation: Case studies of four goal-free evaluations. *Evaluation and Program Planning*, 46, 10–16. <https://doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2014.05.002>
104. Youker, B. W., Zielinski, A., Hunter, O. C., & Bayer, N. (2016). Who needs goals? A case study of goal-free evaluation. *Journal of Multidisciplinary Evaluation*, 12(27), 27–43.